

ایران و ژئوپلیتیک دالان زنگه‌زور

علی ناصری^۱

ابوالفضل شکوری^۲

چکیده

در دوره‌های مختلف تاریخی یکی از مناطق مهم ژئوپلیتیکی برای امنیت ایران، منطقه قفقاز جنوبی بوده است. چین درصدد احیای جاده ابریشم تاریخی با طرح نوین یک کمربند - یکراه است که در قدیم از چین شروع و از طریق ایران و قفقاز به دیگر نقاط ادامه می‌یافت. در طرح این کریدور ایران از جایگاهی اساسی برخوردار است؛ به گونه‌ای که از چابهار و از طریق کریدور شمال - جنوب و گذر از ارمنستان، گرجستان و روسیه به دریای سیاه می‌رسد. پس از برقراری آتش‌بس در جنگ دوم قره‌باغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان توافقی صورت گرفت که یکی از ماده‌های آن طرح بازگشایی راه‌های قدیمی می‌باشد؛ جمهوری آذربایجان برداشتی فراتر از یکراه قدیمی زیر نظر ارمنستان دارد و خواهان ایجاد یک کریدور غربی - شرقی در منطقه زنگه‌زور است که مستقیماً زیر نظر باکو باشد. این اقدام از یکسو ناقض تمامیت ارضی ارمنستان است و از سوی دیگر موجب از بین رفتن مرز ایران با ارمنستان می‌شود. برنامه‌های جمهوری آذربایجان و هم پیمانان آن برای ایجاد دالان جدید چه تأثیری بر امنیت ایران دارد؟ داده‌های پژوهش نشان می‌دهند در واقع این کشورها به دنبال اهدافی نظیر ایجاد دالان تورانی ناتو، منبع انرژی هستند و در نهایت این زیاده‌خواهی به محاصره ایران در شمال غرب و از دست دادن یکی از گذرگاه‌ها و شاهراه‌های قدیمی منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی:

ژئوپلیتیک، قفقاز جنوبی، دالان زنگه‌زور، دالان تورانی ناتو، محاصره ایران.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

^۱ دانشجوی دکترای مسائل ایران دانشکده علوم انسانی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران: جمهوری

اسلامی ایران، alinaaseri1371@gmail.com

^۲ نویسنده مسئول و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران: جمهوری اسلامی

ایران، a.shakoori@modares.ac.ir

مقدمه

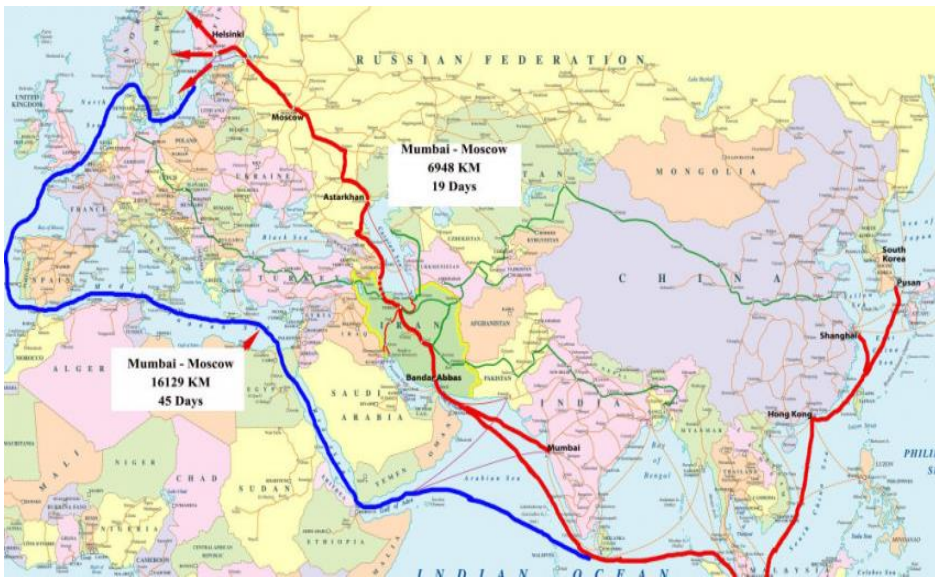
منطقه قفقاز تقاطع مهم آسیا و اروپا را تشکیل می‌دهد، از نظر اقتصادی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی نیز منطقه‌ای راهبردی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک محسوب می‌شود. قفقاز به‌ویژه قفقاز جنوبی به دلیل اینکه قرن‌ها معبر نقل‌وانتقال بین‌المللی بوده و دارای ویژگی‌های جغرافیایی منحصر به فرد است، به طوری که از نظر قومی و فرهنگی یکی از پیچیده‌ترین (غنی‌ترین) ساختارهای جهان را دارد. منطقه‌ای که در سال‌های جنگ سرد در داخل مرزهای اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، به لحاظ ویژگی‌های قومی خود دستخوش یک فرآیند دگرگونی، اختلاط و رویارویی نژادی مهم بود و در آن سال‌ها به دلیل وجود جنگ سرد، ارتباط آن با جهان خارج کاملاً قطع شد. با این حال، هریک از قفقازی‌ها هویت قومی خود را عمیقاً حفظ کرده‌اند و شاید راه‌هایی برای حفظ «هویت‌های» قومی خود در این دوره از همسان‌سازی سوسیالیستی پیدا کرده‌اند.

منطقه قفقاز به‌ویژه قفقاز جنوبی شامل باکو آذربایجان (آران قدیم) ارمنستان و گرجستان به‌عنوان بخشی از ایران تاریخی و ایران فرهنگی به‌مثابه یک چهارراه تمدنی و بازرگانی در نظر گرفته می‌شود که از طریق دریای سیاه، آسیا و اروپا و حتی قاره آفریقا را به هم پیوند می‌دهد. علی‌رغم این که خارج از مرزهای عمومی اروپا است، سه جمهوری واقع در قفقاز جنوبی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان با در نظر گرفتن روابط آن‌ها با سازمان امنیت ناتو و اتحادیه اروپا، هویت سیاسی اروپایی قابل توجهی پیدا کرده‌اند. ویژگی‌های مذهبی و فرقه‌ای و قومی مردمان منطقه نیز درهم‌تنیده شده و ساختاری درهم‌آمیخته دارد.

اگرچه در قفقاز امروز ثروت اقتصادی قابل توجهی به‌جز جمهوری آذربایجان (باکو) وجود ندارد، اما اهمیت راهبردی آن، به‌ویژه در مسیرهای ترانزیتی بودن آن به یک ارزش اقتصادی تبدیل شده و پتانسیل تحول و تأثیرگذاری دارد. منابع خزر و آسیای مرکزی از این منطقه به سایر نقاط جهان می‌رسد و ویژگی راهبردی منطقه می‌تواند به یک ارزش تبدیل شود. از آنجایی که مالکیت، استفاده، بهره‌برداری، بازاریابی، حمل‌ونقل و حفاظت از منابع دریای خزر را باید همراه با قفقاز در نظر گرفت، استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ جدا از قفقاز در نظر گرفته نمی‌شود. سیاست‌های قفقاز در نهایت عمدتاً بر منابع دریای خزر و جمهوری آذربایجان متمرکز شده است. از سوی دیگر قفقاز نه تنها گذرگاه اصلی حمل‌ونقل منابع دریای خزر و آسیای مرکزی است، بلکه از نظر دستیابی به مناطق هم‌جوار و ایجاد فعالیت در منطقه دارای اهمیت راهبردی است. پس از آنکه قفقاز که شاهد عبور فتوحات و نهضت‌های مهمی در طول تاریخ بود و به‌موجب آن‌ها از ایران تاریخی و بزرگ جدا گردید و قهرماً به دست روسیه تزاری درآمد. در دوران

اتحاد جماهیر شوروی نیز با رویکردهای ضد ناسیونالیستی استالین، ساختار قومی و سیاسی قفقاز از نظر منافع بلندمدت روسیه بازآرایی یا در معرض اقدامات رادیکال تغییر هویت قرار گرفت. چنان‌که بیان شد، منطقه قفقاز در تقاطع جاده‌های منتهی به دریای سیاه، دریای خزر، خلیج فارس و دریای هند قرار دارد و از طریق قفقاز، آسیا، اروپا، آفریقا و خاورمیانه به هم متصل می‌شوند. به همین دلیل همیشه در تاریخ این منطقه در معرض تهاجمات قدرت‌های بزرگ (از جمله ترک، رومی، بیزانسی، عرب، چنگیز، تیمور، درنهایت روسیه و امروز آمریکا به‌عنوان یک قدرت جهانی) بوده است؛ بنابراین این منطقه همواره در حوزه منافع قدرت‌های بزرگ تعریف‌شده و از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌ویژه کریدورها و دالان‌های جنوبی - شمالی و شرقی - غربی واقع در این منطقه که از یادگارهای باقی‌مانده از جاده ابریشم از رهگذر سرزمین بزرگ ایران باستان هستند و کشورهای آسیای جنوبی و شرقی‌ها مانند چین و هند را به اروپا و دنیای غرب پیوند می‌دهند. این کریدورها از جایگاه غیر قابل تحویل برخوردارند مانند دالان زنگه‌زور. نقشه زیر نشان‌دهنده موقعیت و اهمیت کریدور شمال - جنوب است.

نقشه ۱- کریدور شمال جنوب



Source: <http://irdiplomacy.ir/fa/news>.

اما پس از فروپاشی نظام دوقطبی و میان‌داری اقمار اروپایی آمریکا، به‌ویژه پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بیشتر در منطقه مستقر شد و روابط و زمینه‌های همکاری عمیقی را با کشورهای جهان ایجاد کرد. این منطقه چه از نظر نظامی و چه از نظر اقتصادی و سیاسی مورد توجه و طمع جدی‌تر قرار گرفت و حتی بازیگران جدیدی مانند کشورهای اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی و بسیاری دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه رژیم صهیونیستی به دلیل اهمیت راهبردی، ژئوپلیتیک و اقتصادی قفقاز برای ارتقاء جایگاه خود به آن علاقه‌مند شدند. اکنون برای ایران قفقاز از جنبه امنیتی برخوردار است به نحوی که خط حائل بین ایران و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود. بر این اساس هرگونه تغییر ژئوپلیتیک و دگرگونی جغرافیای مرزی و پیدایش نامنی در آن تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر ایجاد تهدید علیه ایران دارد؛ بنابراین دستیابی به امنیتی پایدار و با ثبات در قفقاز، یک هدف راهبردی برای ایران محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را در منطقه قفقاز بر اصول حسن هم‌جواری، تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها استوار نموده و خواستار قفقازی صلح‌جو، باثبات و رو به توسعه است و اعتقاد دارد که صلح و ثبات قفقاز نقشی مثبت در رشد و ترقی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۹۰).

باوجود این امروزه نزاع‌ها و کشمکش‌ها بعد از جنگ قره‌باغ جانی دوباره گرفته و کشورهای مختلفی درصد اعمال نفوذ و سهم‌خواهی خاص از این منطقه برآمده‌اند و می‌کوشند تا ژئوپلیتیک آن را تغییر دهند. حال سؤال پژوهش حاضر این است که پیامدهای ژئواستراتژیک ایجاد دالان زنگه‌زور «غربی - شرقی» توسط جمهوری آذربایجان و کشورهای حامی آن برای ایران را چگونه می‌توان مورد ارزیابی قرارداد؟ در جواب این سؤال می‌توان گفت که در این مسئله کشورهای مختلفی از جمله ترکیه، رژیم صهیونیستی، اتحادیه اروپا، آمریکا، ذی‌نفع هستند و هرکدام به دنبال اهدافی سیاسی یا اقتصادی خاص خود در این منطقه هستند؛ اما در نقطه کانونی منافع کشورهای عضو ناتو مانند ترکیه و همچنین رژیم صهیونیستی تلاش دارند تا با انسداد دالان جنوبی - شمالی زنگه‌زور و از بین بردن هم‌مرزی تاریخی ایران و ارمنستان در استان سینویک و منطقه حساس زنگه‌زور که جزء خاک ارمنستان و عامل اتصال ایران به دریای سیاه و اروپا است، جمهوری اسلامی ایران را به بن‌بست خطرناک و خفقان تجاری و اقتصادی دچار سازند. این کشورها سخن از ایجاد یک دالان جعلی جدید غربی - شرقی در موقعیت زنگه‌زور دارند که ترکیه از طریق نخجوان به باکو و دریای خزر وصل کند که به کریدور تورانی ناتو معروف شده است. برای ایران نیز این منطقه از مرز خود با ارمنستان، اهمیتی حیاتی دارد و باید مانع اعمال خواسته دیگر کشورها، برای ایجاد این دالان شود.

پیشینه پژوهش. در زمینه اهمیت منطقه قفقاز جنوبی و سیاست خارجی کشورهای مختلف نسبت به این منطقه پژوهش‌های انجام‌شده که از آن جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد. جواد حیدری (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به‌عنوان «دیدگاه‌های امنیتی ارمنستان در قفقاز جنوبی» به بررسی دیدگاه‌های امنیتی ارمنستان پرداخته و تأکید می‌کند این دیدگاه‌ها بر اساس وضعیت ژئوپلیتیکی و قومی این منطقه شکل گرفته است. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹) در مقاله «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی در قفقاز جنوبی» به بررسی دیدگاه‌های امنیتی جمهوری آذربایجان می‌پردازد و عقیده دارد که برخلاف دیدگاه‌های غربی سیاست‌های امنیتی ایران بر الزامات ژئوپلیتیک استوار است تا آرمان‌ها و ارزش‌های ایدئولوژیک. مهم‌ترین منافع و اهداف امنیتی ایران در قفقاز، حفظ امنیت مرزها و تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی، تأمین امنیت انرژی و توسعه اقتصادی پایدار می‌باشد.

یزدانی و خیری (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «رویکرد سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز با تأکید بر جمهوری آذربایجان» بیان می‌کنند که از یک‌سو سیاست‌های نوع‌ثمنی‌گری و از سوی دیگر پیوندهای قومی و فرهنگی، روابط اقتصادی قوی به خصوص در زمینه انرژی و جایگاه وزن ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان در رقابت‌های ژئوپلیتیک ترکیه و روسیه موجب تسهیل همکاری‌های ترکیه با جمهوری آذربایجان گردیده‌اند. فلاحی و شفیعی (۱۳۹۹) در مقاله «راهبرد چین در قفقاز جنوبی» بیان می‌کنند که در سیاست خارجی چین، قفقاز جنوبی به‌عنوان بخشی از ابتکار کمربند و جاده است و هم‌زمان به دنبال همکاری با ایران و ترکیه است. در این پژوهش بیشتر به سیاست خارجی چین در این منطقه پرداخته‌شده است.

فرهاد عطایی (۱۳۹۱) در مقاله «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی» بر این نکته تأکید دارد که ایران به علت انزوای سیاسی و اقتصادی ارمنستان به این کشور نزدیک‌تر از جمهوری آذربایجان است اما روسیه هنوز منافع زیادی در این منطقه دارد و مانعی جدی برای روابط و منافع ایران است. همچنین در مقاله‌ای دیگر عطایی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی» به رویکردها و علایق دولت عدالت و توسعه در خاورمیانه می‌پردازد و نشان می‌دهد که دولت ترکیه در دوره مورد بحث توانسته با حاکم کردن دیدگاهی واقع‌نگر و چندبعدی در سیاست خارجی خود، رابطه‌اش را در جنبه‌های مختلف با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی توسعه دهد و به گسترش نفوذ در این منطقه بپردازد. بیشتر پژوهش‌ها که از آن‌ها نام‌برده شد در صدد بیان اهمیت این منطقه هستند.

پژوهش‌های نظریه‌پردازان آذربایجانی و ترکیه بر اهمیت ایجاد دالان زنگه‌زور برای کشورهای خود تأکید دارند نمونه این پژوهش پیوتر گاولیچک و خیال اسکندروف^۱ در مقاله‌ای با عنوان «کریدور زنگه‌زور به‌عنوان بخشی از مسیر جهانی حمل‌ونقل در پس‌زمینه بازی قدرت در منطقه قفقاز جنوبی» انجام داده‌اند. ایشان استدلال می‌کنند: جمهوری آذربایجان که در تقاطع مسیرهای حمل‌ونقل شمال - جنوب و شرق - غرب واقع شده است، در حال حاضر به‌عنوان یک قطب مهم حمل‌ونقل و لجستیک شناخته می‌شود. همچنین همکاری‌های موفقی با کشورهای اتحادیه اروپا در این زمینه در حال انجام است. مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی شرق - غرب و شمال - جنوب که از خاک جمهوری آذربایجان می‌گذرد از نظر حمل‌ونقل بسیار مناسب است. مقاله در مورد احتمال استفاده از کریدور زنگه‌زور (که در توافقنامه سه جانبه به تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ ذکر شده است) بحث می‌کند و اهمیت آن را به‌عنوان یک عنصر جدایی‌ناپذیر از مسیر ترانزیت جهانی برجسته می‌کند (Gawliczek, & Iskandarov, 2023).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که عمده پژوهش‌های انجام‌شده به‌رغم اهمیت راهبردی، به موضوع کریدور زنگه‌زور نپرداخته‌اند. این دالان ترانزیتی از اهمیت زیادی برای ایران برخوردار است از این‌رو نیاز به تحقیق و پژوهش در این زمینه احساس می‌شود؛ چراکه منافع اقتصادی راهبردی عظیم ایران در این منطقه در میان است. هم مسائل اقتصادی و بازرگانی و هم مسائل سیاسی - امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران چنان مهم‌اند که مسئله را غیرقابل‌اغماض می‌کند. برای همین است که تنش‌های میان تهران و باکو به وجود آمده و این دو کشور اکنون در منطقه قفقاز جنوبی دچار تضاد منافع شده‌اند.

روش پژوهش. این پژوهش کیفی است و بر داده‌های تحلیلی توصیفی استوار است. روش پژوهش مورد استفاده این پژوهش مطالعه موردی است که هدف آن برقراری پلی ارتباطی بین مطالعات کتابخانه‌ای و اطلاعات زندگی واقعی است. پس مباحث مطرح‌شده در مورد قفقاز جنوبی و دالان زنگه‌زور به‌عنوان مطالعه موردی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش گردآوری داده‌ها نیز در این پژوهش استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مجلات، فصلنامه‌ها و داده‌های اینترنتی است.

چارچوب نظری: برای تحلیل هر موضوعی باید از یک دید و چارچوب استفاده نمود به همین دلیل این پژوهش از چارچوب نظری کریدورهای بین‌المللی به موضوع نگاه می‌کند. راه و راه‌سازی در میان ایرانیان چه در دوران باستان و چه دوره‌های پس از آن همواره یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تلقی شده است. بر همین اساس اهمیت راه‌سازی ایرانیان تا اندازه زیادی ناشی از

¹. Piotr Gawliczek and Khayal Iskandarov.

شرایط و ویژگی‌های حاکم بر سرزمین ایران دانست. بقایای برخی از آثار به‌ویژه کاروان‌سراها یادگار و نمادی از تاریخ چندهزارساله ایران در حوزه اهمیت ژئوپلیتیک راه‌ها و دالان‌ها است. از مهم‌ترین راه‌هایی که تأثیرات زیادی بر شکل‌گیری و رونق شهرها مخصوصاً در فلات ایران داشت، جاده ابریشم است. این مسیر ۸۰۰۰ هزار کیلومتری که به مدت ۴۰۰۰ هزار سال کانون اصلی مراودات و تعاملات دو قاره آسیا و اروپا (اوراسیا)، از چین تا حوضه مدیترانه بوده است. برخی محققان، اقدامات وونی، امپراتور سلسله «هان» (۸۷-۱۴۰ ق.م)، در اتخاذ تدابیری جدی برای هم‌پیمانی با مردم آسیای مرکزی را به‌منظور مهار دشمنان مشترکشان در شمال این سرزمین، نخستین جرقه‌های تشکیل جاده ابریشم دانسته‌اند (مظاهری، ۱۳۷۳: ۱ و ۹-۱۰).

پیشینه شکل‌گیری شبکه بازرگانی و اقتصادی در این جاده به هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد. این سازمان و شبکه اقتصادی بازرگانی، پس از گذشتن از نقاطی مانند هند، هندوکش و پامیر و گذشتن از پل ایران به کمربند بسیار مهم بین‌النهرین و به منطقه بابل و سپس از راه هلال خصیب، به شهر حلب نزدیک ساحل سوریه و به شهرهای دیگر مدیترانه می‌رسیده است. به عبارتی دیگر جاده ابریشم از دروازه یشم (کنار دیوار چین) شروع شده و از طریق تورفان (در شمال شرقی - ترکمنستان شرقی و از راه شمالی) ختن (راه جنوبی) به کاشغر و از آنجا به فرغانه می‌رسید. تجار در فرغانه کالاهای خود را می‌فروختند و یا با کاروان دیگری از سمرقند و بخارا و مرو و یا بلخ و هرات و از آنجا به نیشابور، دامغان، سمنان، ری می‌رفتند، از قزوین، راه به شعبه‌هایی تقسیم می‌شد: برخی به جمهوری آذربایجان، آران^۱ و یا طرابوزان می‌پیوست (ابن حوقل: ۹۱؛ دوران، ویل و اریل: ۱۳۶۶، ۲۶۷).

جاده ابریشم به‌عنوان یک راه تجاری نقش مهمی در شکل‌گیری و رونق اقتصادی مناطقی که از آن‌ها می‌گذشته داشته است. بنا به مدارک مکتوب، از اوایل سده سوم پیش از میلاد، ابریشم مهم‌ترین کالای تجاری چینی‌ها بوده که از طریق جاده ابریشم به همسایگان غربی خود انتقال داده می‌شده است و از سوی غرب نیز کالاهای کمیابی چون یشم سبز و سفید، سنگ لاجورد به رنگ آبی تیره، شیشه‌های رنگی خوش‌رنگ و اسب‌های نیرومند آسیای مرکزی بودند که چینی‌ها در جستجوی این کالاها مرزهایشان را تا نیمه‌راه سواحل مدیترانه به‌پیش کشاندند؛ اما بیشتر از همه، این ابریشم بود که مردم غرب را به خود جذب می‌کرد و باعث می‌شد که امپراتوری‌ها یکی در پس دیگری از طریق جاده ابریشم به‌سوی شرق کشانده شوند.

^۱. جمهوری آذربایجان کنونی با مرکزیت شهر باکو

اهمیت جاده ابریشم نمایانگر نقش ژئواستراتژیک تاریخی ایران در میانه جاده ابریشم بوده است. به دیگر سخن، ایران گرانیگاه شاهراگ بازرگانی دنیای آن زمان بود. این نقش برخاسته از جایگاه جغرافیایی ایران زمین همچو پیونددهنده آسیا، اروپا و آفریقا بود. جایگاه راهبردی جغرافیایی ایران دسترسی به خلیج فارس و آبهای آزاد را آسان می‌ساخت و همچنین تنها تقاطع باختری - خاوری/ شمالی - جنوبی برای دادوستد با آسیای مرکزی و قفقاز بود. این نقش ریشه در تاریخ ایران زمین همچون دولت - تمدنی دیرین نیز داشت. عمده جنگ‌های ایرانیان اشکانی و سپس ساسانی با امپراتوری روم و بیزانس از تلاش برای کنترل جاده ابریشم و شریان‌های بازرگانی برخاسته بود. یک هزاره بعدتر، جنگ‌های امپراتوری عثمانی با دولت ایرانی صفویه نیز، در کنار منازعات فرقه‌ای - مذهبی، به همین دلیل - کنترل شریان بازرگانی جاده ابریشم - رخ می‌داد. این همه نشانگر اهمیت نیروهای ژئواکونومیک - و نه صرفاً ژئوپلیتیک و ژئوکالچرال - در تاریخ و جغرافیای ایرانی زمین بوده است. چنین تاریخی همچنین نشان‌دهنده کاربرد اقتصادی - بازرگانی فرمانروایان ایرانی از جایگاه جغرافیایی راهبردی ایران در سامان بین‌المللی بوده است.

امروزه نیز می‌توان به باز برپایی راه شاهی و جاده ابریشم همچو راه‌هایی برای افزایش توان سیاسی - اقتصادی - فرهنگی ایران نگریست. جاده ابریشم نوین چین که بلندپروازترین مگا پروژه در دوران کنونی به شمار می‌آید می‌تواند در کنار سویه‌های سیاسی - امنیتی - نظامی و اقتصادی - بازرگانی، حامل نیروهای ژئوکالچرال با تأکید بر ظرفیت تمدنی و هویتی جهان ایران بزرگ در آسیای مرکزی و باختری باشد. پروژه همکاری ایران و هند در چابهار که خود بخشی از استراتژی نوین «مائوسام» هندوستان است و همچنین کریدور شمال - جنوب به همراه شبکه ترابری - انرژی تا ترکیه و دریای مدیترانه را نیز می‌توان در این راستا دید (رئیس‌ی نژاد، ۱۳۹۹/۵/۲۱).

این پروژه بزرگ جهانی چین که اصطلاحاً طرح یک کمربند - یک جاده نامیده می‌شده مضافاً اینکه چین و شرق آسیا را با همه دنیا مرتبط می‌کند، می‌تواند مجدداً برکات جاده ابریشم قدیم به گونه مضاعف برای ایران احیا کند؛ اما همه این‌ها مشروط بر این است که کریدور شمال - جنوب (چابهار - زنگه‌زور) از رهگذر ارمنستان و گرجستان به دریای سیاه در غرب پیوند بخورد (Shariatinia & Azizi, 2019).

تأثیر جاده‌ها و بزرگراه‌ها بر توسعه اقتصادی - اجتماعی از این فرض ریشه می‌گیرد که باعث رشد، افزایش تحرک و دسترسی آسان به بازارهای سطح ملی و بین‌المللی می‌شود. بسیاری از کشورها با توسعه زیرساخت‌های فیزیکی خود توانسته‌اند به توسعه و رشد اقتصادی دست یابند که بستر اساسی را برای این ملت‌ها فراهم کرده و از طریق افزایش تجارت و بیمه جریان روان

تولیدات، کالاها و خدمات در داخل و خارج از کشور، درهای جدیدی از توسعه اقتصادی - اجتماعی را باز کرده‌اند. این ابرپروژه اوراسیایی چین دو بخش اصلی دارد: کمربند اقتصادی جاده ابریشم که چین را از طریق خشکی به اروپا وصل می‌کند و کمربند اقتصادی جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم که از دریاها و اقیانوس‌ها می‌گذرد تا شرق و غرب دنیا را به هم مرتبط کند. جاده ابریشم جدید از حدود ۶۰ کشور عبور می‌کند و پیش‌بینی می‌شود تکمیل آن بین ۴ تریلیون دلار تا ۸ تریلیون دلار طی مدت‌زمانی نامعلوم هزینه در پی داشته باشد.

هر جاده، خط‌آهن و خط لوله‌ای در اوراسیا، برای آنکه در مهم‌ترین منطقه دنیا یعنی خاورمیانه شانس تبدیل شدن به واقعیت را داشته باشد ناگزیر عبور از ایران است. این یعنی آینده جاده ابریشم جدید درگرو مشارکت ایران است. اکنون احیای کمربند و جاده ابریشم از ایران می‌گذرد و از ارمنستان به آسیای مرکزی وصل می‌شود؛ درنهایت کشمکش‌های در منطقه مرزی ارمنستان بین چندین کشور در یکی از دالان‌های بین‌المللی به وجود آمده است که اصل آن مضافاً بر تحریکات آمریکا و رژیم صهیونیستی ناشی از توهم پان‌ترکیستی ترکیه برای ایجاد امپراتوری عثمانی - تورانی است که می‌خواهند آن را از طریق زنگه‌زور، دریای خزر و ترکمنستان و ... عملیاتی کنند و شورای کشورهای ترک بازوی اجرایی آن خواهد بود. ریشه بسیاری از مسائل کنونی از مناقشه قره‌باغ و تحولات ناشی از آن پدیدآمده است؛ بنابراین ابتدا این مسئله را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

جنگ قره‌باغ و تحولات ناشی از آن

در پایان جنگ‌های ایران و روس در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، بر اساس عهدنامه ۱۸۱۳ گلستان، منطقه زنگه‌زور به‌اضافه چند ولایت و صدها شهر و روستا از ایران جدا و به امپراتوری روسیه واگذار شد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و ایجاد و فروپاشی جمهوری فدرال دموکراتیک قفقاز جنوبی، اختلافاتی بین جمهوری‌های تازه‌تأسیس ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر مالکیت تعدادی از مناطق با جمعیت مختلط، از جمله زنگه‌زور، به‌وجود آمد که درگیری‌های شدیدی نیز بین دو طرف در زنگه‌زور را به دنبال داشت. هم‌زمان با سال‌های تضعیف و فروپاشی شوروی مناقشه دیگری شکل گرفت به‌طوری‌که مناقشه قره‌باغ کوهستانی طولانی‌ترین درگیری در اوراسیا پس از شوروی بوده است. در سال ۱۹۸۸، ارمنیان که قوم ساکن در قره‌باغ بودند خواستار انتقال منطقه خودمختار قره‌باغ کوهستانی (NKAO) از جمهوری آذربایجان شوروی به ارمنستان شدند؛ اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تنش‌ها به یک جنگ آشکار تبدیل شد.

طی جنگ اول قره‌باغ که از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ ادامه داشت، نیروهای ارمنی با پشتیبانی ارتش روسیه بخش‌هایی از خاک جمهوری آذربایجان را اشغال کردند. در نهایت این جنگ در سال ۱۹۹۴ و سه سال پس از فروپاشی شوروی با دخالت گروه مینسک شامل سازمان ملل، اتحادیه اروپا، روسیه و ایالات متحده آمریکا، به نفع ارمنستان پایان یافت. با توقف جنگ، قره‌باغ کوهستانی و هفت منطقه مجاور آن تحت کنترل نیروهای ارمنی درآمد. بیش از یک میلیون نفر از آذربایجانی‌ها مجبور به ترک خانه‌های خود از ارمنستان، قره‌باغ کوهستانی و مناطق مجاور شدند، در حالی که در مقابل ارامنه نیز خانه‌های خود را در جمهوری آذربایجان ترک کردند؛ اما در این در مدت درگیری بین دو کشور به‌طور کم‌وبیش ادامه یافته است. به‌نحوی که در آوریل ۲۰۱۶، چهار روز نبرد شدید بین دو کشور اتفاق افتاد که در آن صدها نفر از هر دو طرف را کشته شدند.

پس از خروج سرکیسیان از قدرت و انتصاب پاشینیان، هر دو طرف برای مدتی لفاظی خود را علیه یکدیگر کاهش دادند. مهم‌تر از آن، سطح تلفات در خطوط مرزی (با کمتر از ۲۰ مورد مرگ در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸) به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافت (Minsk-group, 16/1/2019)؛ اما خواست جمهوری آذربایجان برای رسیدن به یک توافق با پاشینیان سرابی بیش نبود. پاشینیان برای اثبات اعتبار خود در بین ارامنه قره‌باغ، موضوع اتحاد (به زبان ارمنی میاتسوم^۱) را که اصل محوری آرمان ارامنه در موضوع قره‌باغ از زمان شروع مناقشات در سال ۱۹۸۸ است، مطرح کرد. در اوت ۲۰۱۹ پاشینیان در بازدید از قره‌باغ به جمعی از هواداران گفت: «آرتساخ ارمنستان است - نقطه پایان»^۲ و جمعیت هم کلمه میاتسوم را تکرار می‌کردند (Kucera, 6/8/2019). موضوع قره‌باغ ریشه‌های عمیقی در جوامع طرفین منازعه دارد. مبارزه بر سر قره‌باغ هویت مدرن ارمنی و آذربایجانی را شکل داده است و برای اکثر ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها، حتی آن‌هایی که از قلمرو خود قره‌باغ نیستند، تصور دست‌کشیدن از ادعاهای خود در مورد آن غیرقابل تصور است. تا سال ۲۰۲۰، احساس خشم و آسیب به‌ویژه در جمهوری آذربایجان، طرف بازنده اصلی درگیری، قوی بود.

در سپتامبر ۲۰۲۰ جنگ دوم قره‌باغ روی داد، در این جنگ جمهوری آذربایجان دست برتر را داشت چراکه اول، جمهوری آذربایجان ارتش خود را که طی ۱۵ سال و پس از تحقیر شدن در جنگ قبلی تقویت کرد. افسران ترک ارتش جمهوری آذربایجان را با استانداردهای جدید ناتو آموزش دادند و در دهه اول ریاست جمهوری الهام علی‌اف، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱، با استفاده از درآمدهای نفتی، بودجه نظامی خود را دو برابر کرد و به بیش از ۴ میلیارد دلار در

^۱. miatsum.

^۲. Artsakh is Armenia – full stop.

سال رساند (Seputyte and Ummelas, 6/4/2016). علاوه بر این حمایت تسلیحاتی رژیم صهیونیستی و ورود مستقیم نظامی ترکیه همچنین موضع مبهم روسیه در درگیری موثر بوده است.

سرانجام این جنگ در ساعات اولیه ۱۰ نوامبر با اعلام آتش بس در یک توافقنامه سه جانبه به میانجی‌گری فدراسیون روسیه پایان یافت. اگرچه این توافق از یک صلح دائمی و باثبات برخوردار نبود. در توافق نوامبر هفت ناحیه اطراف قره‌باغ کوهستانی به جمهوری آذربایجان برگشت. تا اول دسامبر ۲۰۲۰، تمام این مناطق، به استثنای کریدور باریک لاجین که ارمنستان و قره‌باغ را به هم متصل می‌کند، به کنترل جمهوری آذربایجان بازگردانده شده بود؛ اما در این توافق موضوع حقوق و وضعیت ارامنه قره‌باغ، حل نشده باقی ماند. پس از توافق آتش بس، قره‌باغ کوهستانی که توسط ارمنستان اداره می‌شد، به حیات خود ادامه داد. برای حفظ امنیت نیروهای حافظ صلح روسیه در امتداد جاده‌های اصلی در مناطق ارمنی‌نشین منطقه درگیری و شریان اصلی تردد بین ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی از جمله در داخل کریدور لاجین مستقر شدند. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان که پیش از این به این منطقه «بالاترین خودمختاری در جهان»^۱ را پیشنهاد کرده بود، اکنون با کسب پیروزی در جنگ معتقد است که اصلاً پیشنهادی برای خودمختاری ارضی وجود نخواهد داشت. مقامات جمهوری آذربایجان، از جمله مقامات شوشا، می‌گویند که قره‌باغ کوهستانی دیگر به عنوان یک مفهوم وجود ندارد (Ganjaliyev, 30/4/2021). با این حال، ارمنی‌ها همچنان این سرزمین را آرتساخ می‌نامند و بر حق آن برای جدایی اصلاحی پافشاری می‌کنند. ادامه مناقشه عواقب فوری برای ساکنان ارمنی کنونی قره‌باغ کوهستانی داشت، زیرا باکو فشار می‌آورد تا آن‌ها را منزوی نگه دارد؛ مانند قبل، تنها سازمان بین‌المللی که اجازه دسترسی به منطقه را دارد، صلیب سرخ است.

دونیا میاتوویچ، کمیسر حقوق بشر شورای اروپا، در مشاهدات خود از منطقه قره‌باغ بیان می‌کند: خیابان‌های خالی، ساختمان‌های متروکه و تقریباً هیچ نشانه‌ای از حضور غیرنظامیان نبود. کمیسر در قره‌باغ به این نتیجه رسیده است که در پایان سپتامبر ۲۰۲۳، ارامنه قره‌باغ خانه‌های خود را ترک کرده‌اند (Dunja Mijatović, 12/1/2024). ایشان توصیه‌های را برای تضمین بازگشت ایمن و حفاظت از حقوق ارامنه باقی‌مانده در منطقه ارائه می‌دهد. در تحولی مهم در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۳، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) حکم داد که جمهوری آذربایجان

¹. the highest autonomy in the world.

باید بازگشت امن و بدون مانع کسانی را که پس از ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ قره‌باغ کوهستانی را ترک کرده‌اند، تضمین کند. ولی جمهوری آذربایجان تاکنون در این راستا اقدامی را انجام نداده است. در آخرین اقدامات در ۲ دسامبر ۲۰۲۳، در یک جلسه غیرعلنی، پارلمان آرتساخ که در حال حاضر در ارمنستان مستقر است و به‌عنوان نهاد منتخب قانونی نماینده اراده مردم شناخته می‌شود، تصمیم به ایجاد یک کمیته بین‌المللی برای دفاع گرفت تا از حقوق اساسی خود دفاع کنند. این امر به‌ویژه شامل حق بازگشت دسته‌جمعی به وطن خود، با حمایت از تضمین‌های بین‌المللی است. بر اساس بیانیه منتشرشده از سوی کمیته، نظارت بر این کمیته به وارطان اسکانیان، وزیر امور خارجه سابق جمهوری ارمنستان محول شده است. اسکانیان نیز مأموریت اصلی کمیته را حمایت و پیگیری حق استرداد جمعی مردم آرتساخ به سرزمینشان با تضمین‌های بین‌المللی تعریف کرده است (CIVILNET, 18/01/2024).

با وجود وضعیت توصیف شده در قره‌باغ اما موضوع مهم‌تر برای ایران زنگه‌زور است. به‌نحوی که به‌موجب ماده ۹ توافق‌نامه ۲۰۲۰ راه‌های حمل‌ونقل میان کشورهای منطقه باز می‌شد. جمهوری آذربایجان استدلال می‌کند که ماده ۹ آتش‌بس اجازه بازگشایی یک کریدور از نخجوان به باکو را می‌دهد؛ یعنی باکو می‌تواند از منطقه زنگه‌زور که از آن ارمنستان است به‌صورت غربی - شرقی دالان و راهی ایجاد و تمامیت ارضی ارمنستان و حاکمیت آن منطقه زنگه‌زور را نادیده بگیرد. ضمناً اگر این دالان ایجاد شود باکو را به استانبول در ترکیه اروپایی متصل می‌کند. در یک مفهوم کلی‌تر، این کریدور یک پروژه ژئواکونومیک - ژئوپلیتیکی است که هدف آن اتصال اروپا به آسیای مرکزی و چین از طریق جمهوری آذربایجان و ترکیه است.

باین‌حال بند نهم توافق صلح مسکو در سال ۲۰۲۰ آتش‌زیر خاکستر بوده است. این بند بیان می‌دارد: «کلیه فعالیت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه بلامانع است. جمهوری ارمنستان ایمنی ارتباطات حمل‌ونقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را به‌منظور سازمان‌دهی حرکت بدون مانع شهروندان، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت تضمین می‌کند. کنترل حمل‌ونقل توسط نیروهای نظامی روسیه انجام می‌شود. با توافق طرفین، ساخت زیرساخت‌های جدیدی که جمهوری خودمختار نخجوان را با مناطق جمهوری آذربایجان پیوند می‌دهد، انجام می‌شود». از طرفی ارمنستان نیز استدلال می‌کند مجاز بودن تردد از نخجوان به باکو به معنای نقض تمامیت ارضی ارمنستان در زنگه‌زور است. این تردها همانند گذشته باید با خط حاکمیت و با نظارت ارمنستان صورت پذیرد. این‌گونه است که ماده یا بند ۹ بهانه توسعه‌طلبی و افزون‌خواهی باکو شده است.

چون بند نهم این توافق صلح ابهامات جدی را در خصوص مسیر مدنظر جمهوری آذربایجان از خاک ارمنستان برای رسیدن به جمهوری نخجوان به دنبال داشته و دارد؛ بنابراین ابهام جدی دربند نهم توافق روسیه برداشت‌های متضادی بین باکو و ایروان برای ایجاد چنین دالان و مسیری باهدف رسیدن جمهوری آذربایجان به جمهوری نخجوان شکل گرفته است. (شعیب بهمن، ۱۴۰۰/۹/۳). نقشه زیر به‌وضوح نشان‌دهنده موقعیت جغرافیایی این دالان است.

نقشه ۲. نقشه دالان جعلی زنگه‌زور و دالان لاپین



Source: <https://www.mehrnews.com>

درنهایت با پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ و توافق‌نامه صلحی که طرفین امضاء کرده‌اند. در بنده ۹ این توافق‌نامه ایجاد یا عدم ایجاد این کریدور برای جمهوری آذربایجان و کشورهای حامی آن از یک‌سو و ایران و ارمنستان به‌عنوان یک مسئله ملی و بین‌المللی مطرح شده است. حال با توجه قدرت گرفتن جمهوری آذربایجان در جنگ اخیر در قره‌باغ اهمیت کریدور غربی- شرقی زنگه‌زور بیشتر شده است از این رو به اهمیت این دالان برای جمهوری آذربایجان و کشورهای حامی آن پرداخته می‌شود.

اهمیت دالان زنگه‌زور برای جمهوری آذربایجان و حامیان آن

بعضی گذرگاه‌ها طی قرون گذشته چنان در جغرافیای اقتصادی - سیاسی ملت‌ها و کشورهای منطقه و جهان نقش و اثر ایفا کرده که دیگر از محدوده اختیار یک یا چند کشور خارج شده بلکه تبدیل به یک راه یا گذر بین‌المللی شده، مثل تنگه هرمز، جبل الطارق، باب-المنذب، کانال سوئز و اکنون زنگه‌زور نه تنها برای اهالی منطقه بلکه برای ارتباط شرق و غرب^۱ یک راه یا دالان بین‌المللی است.

طی جنگ اول قره‌باغ که در سال ۱۹۸۸ شروع و تا سال ۱۹۹۴ ادامه داشت، نیروهای ارمنی با پشتیبانی ارتش روسیه بخش‌هایی از خاک جمهوری آذربایجان را در منطقه قره‌باغ اشغال کردند؛ اما در سال ۲۰۲۰ با تهاجم همه‌جانبه ارتش جمهوری آذربایجان و با حمایت‌های همه‌جانبه ارتش ترکیه، پهپادهای رژیم صهیونیستی و نیروی انسانی مزدور و تروریستی جبهه-النصره انتقالی از سوریه به جمهوری آذربایجان توسط ترکیه، این کشور توانست بسیاری از بخش‌های ازدست‌رفته خاک خود را دوباره بازیابی کند. با تصرف شهر «شوشی» به‌عنوان دومین شهر بزرگ قره‌باغ، توافق آتش‌بس سه‌جانبه‌ای میان رؤسای جمهوری آذربایجان، روسیه و ارمنستان و با موافقت رئیس‌جمهور جمهوری خودمختار قره‌باغ امضا شد که در نتیجه آن تمام مناطق اطراف قره‌باغ به جمهوری آذربایجان بازگردانده شد و تنها «کریدور لاجین» به‌عنوان راه ارتباطی ارمنستان و جمهوری قره‌باغ در دل جمهوری آذربایجان باقی ماند. ضمن این‌که روس‌ها نیز با ارسال ۲۰۰۰ نفر نیرو حافظ صلح به همراه صلح بانان ارتش ترکیه در کریدور لاجین حضور داشتند (Encyclopaedia Britannica). اما جمهوری آذربایجان در این درگیری‌ها خواسته دیگری هم مطرح کرده که آن ایجاد دالان زنگه‌زور است.

درباره اهمیت دالان زنگه‌زور باید گفت این دالان به کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل زمینی بین اقیانوس آرام و اطلس و همچنین نقطه تلاقی جنوب به شمال و شرق به غرب تبدیل خواهد شد. دالان زنگه‌زور به گسترش حمل‌ونقل زمینی و مرتبط ساختن اروپا و آسیا به یکدیگر خواهد انجامید (اناستازیا لاورینا، ۱۴۰۱). جمهوری آذربایجان در ۱۰ مارس ۲۰۲۱ پنج اصل را به‌عنوان شرایط آتش‌بس به ارمنستان ارائه کرد. این اصول عبارت‌اند از اینکه جمهوری آذربایجان و ارمنستان متقابلاً ۱. حاکمیت، تمامیت ارضی و مرزهای بین‌المللی یکدیگر را به رسمیت بشناسند؛ ۲. تضمین قانونی مبنی بر عدم ادعای ارضی علیه یکدیگر؛ ۳. عدم شرکت در اقداماتی

^۱ البته در اینجا منظور دالان شمالی - جنوبی زنگه‌زور است که با حفظ تمامیت ارضی ارمنستان همراه است و این کشور خود از این فضای ترانزیتی بهره‌مند می‌شود.

که تهدیدی امنیتی برای یکدیگر باشد؛ ۴. اجرای تحدید حدود و تعیین مرزها و برقراری روابط دیپلماتیک و؛ ۵. خطوط ارتباطی و ارتباطی (KEREM TUNC, 10/2022). بند مربوط با بازگشایی راه‌های ارتباطی را جمهوری آذربایجان به نحوی دیگر تفسیر کرده و خواهان ایجاد راه ارتباطی فراتر از بند توافق‌نامه است. پس زنگه‌زور یک شاهراه بین‌المللی است و برای دو جزء کشور جمهوری آذربایجان که در دو سوی این منطقه قرار دارد و این کشور را به دو قسمت تقسیم کرده نقشی حیاتی دارد؛ اما تنها بحث پیوستن دو سرزمین جدا از هم مطرح نیست بلکه این مسئله بسیار عمیق‌تر از آن است. رؤیاهای ژئواکونومیک باکو بسیار بزرگ و جاه‌طلبانه هستند؛ این کشور قصد دارد خود را در چهارراه کلیدی مهم‌ترین کریدورهای اوراسیا شمال-جنوب و شرق-غرب قرار دهد. از همین روی بحث ایجاد کریدور زنگه‌زور مطرح می‌شود که مسلماً برای تسلط باکو بر مسیرهای ارتباطی شرق و غرب ایران ضروری است (تحلیل بازار، ۱۴۰۱/۹/۱۵). این کریدور برای اتصال غرب جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان از طریق ارمنستان، با عبور جاده‌ها و راه‌آهن از منطقه زنگه‌زور در نظر گرفته شده است.

بعد از تسلط جمهوری آذربایجان بر دالان لاجین که تنها راه ارتباطی بین ارمنستان و قره‌باغ است. جمهوری آذربایجان قره‌باغ را به محاصره خود درآورده و تنها راه ارتباطی این منطقه را مسدود ساخته و از آن به‌عنوان حربه‌ای برای فشار بر ارمنستان برای واگذاری دالان زنگه‌زور استفاده نموده است؛ از ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲، جمهوری آذربایجان تنها جاده [کریدور لاجین] بین ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی را مسدود کرده است. این محاصره از دسترسی ۱۲۰,۰۰۰ ساکن ارمنی قومی به کالاها و خدمات ضروری، از جمله سوخت، غذا و داروهای ضروری جلوگیری می‌کند (Reliefweb, 21/7/2023)؛ بنابراین بسیاری از بحران انسانی در قره‌باغ سخن به میان می‌آوردند تا جایی که حتی مشاور رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در مورد خطر بحران انسانی هشدار داده است. همچنین ده‌ها تن از اعضای کنگره آمریکا با صدور بیانیه‌ها و اظهارات عمومی نسبت به خطر بحران انسانی هشدار داده‌اند و از دولت بایدن خواسته‌اند تا اقدامات فوری برای پاسخگویی جمهوری آذربایجان در قبال تجاوزهای خود انجام دهد. در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲، بیست و نه عضو کنگره نامه‌ای را امضا کردند و آن را به رئیس‌جمهور بایدن ارسال کردند. نمایندگان از بایدن و کابینه او این درخواست را داشتند تا از تمام ابزارهای موجود برای رفع محاصره استفاده کنند و جمهوری آذربایجان را با تعلیق فوری کمک‌های تسلیحاتی و نظامی آمریکا به باکو تهدید کنند (fox news, 12/2022).

ماجرای محاصره قره‌باغ بازتاب زیادی در جهان داشته و کشورهای مختلف در مورد آن موضع گرفته‌اند. چون جمهوری آذربایجان با شهروندان عادی خودش که مدعی است که آن‌ها شهروند جمهوری آذربایجان هستند را تحت فشار قرار داده و در سرما گاز را بر آن‌ها بسته و حمل‌ونقل سوخت و غذا را محدود کرده‌اند و این عملاً یک نوع باج‌خواهی از ارمنستان است. این سیاست‌ها وضعیت بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان را دشوارتر می‌کند. (بهشتی پور، ۱۴۰۱/۹/۲۸). با وجود تسلط جمهوری آذربایجان بر لاجین به نظر می‌رسد حال که خیال باکو از گذرگاه لاجین راحت شده و قره‌باغ را در دستان خود دارد به فکر تکمیل برنامه‌های خود درباره گذرگاه زنگه‌زور باشد که قصد دارد آنجا را تصرف کند. گذرگاهی که برای جمهوری اسلامی ایران و دسترسی ایران به قفقاز جنوبی نقش حیاتی ایفا می‌کند (خبرگزاری رویداد، ۲۴، ۱۴۰۱/۶/۹). اهمیت این گذرگاه به حدی است که در صورت ازدست‌رفتن آن، عملاً ارتباط ایران با قفقاز جنوبی قطع شده و از راه‌یابی به دریای سیاه و اروپا محروم خواهد شد.

الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در آخرین صحبت‌های خود در مورد دالان زنگه‌زور، در پیامی به مناسبت روز همبستگی آذربایجانی‌های جهان و سال نو میلادی خطاب به مردم کشورش گفت: «کارهای گسترده‌ای برای افتتاح کریدور زنگه‌زور با راه‌آهن و جاده‌های ماشین‌رو در حال انجام است. کریدور زنگه‌زور چه ارمنستان بخواهد یا نه قطعاً افتتاح خواهد شد. ما تعهد قاطع خود را نشان می‌دهیم و همه چیز طبق برنامه پیش می‌رود.» علی‌اف همچنین گفته است که: «خواستار ما منطقی و عادلانه است، ما باید با جمهوری خودمختار نخجوان که جزو لاینفک جمهوری آذربایجان است خط ارتباطی داشته باشیم و خواهیم داشت» (Aliyev, 3/1/2023).

جمهوری آذربایجان فشار بر قره‌باغ را به حدی رسانده است که نازلی باغداساریان^۱، دبیر مطبوعاتی نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، گفت است، ۱۰۰۴۸۰ نفر از قره‌باغ کوهستانی وارد ارمنستان شده‌اند. خروج بیش از ۸۰ درصد از جمعیت قره‌باغ کوهستانی سؤالاتی را در مورد برنامه‌های جمهوری آذربایجان برای این منطقه که در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند. دولت ارمنی قومی قره‌باغ اعلام کرد که پس از سه دهه تلاش برای استقلال تا پایان سال جاری منحل خواهد شد (euronews, 30/9/2023). در نتیجه باید گفت بعد از پیروزی در جنگ جمهوری آذربایجان خواهان تحمیل نظر خود بر ارمنستان است تا بتواند این کریدور را راه‌اندازی کند و با پیوند دو سرزمین بر قدرت و اقتصاد خود بیفزاید؛ اما جمهوری آذربایجان تنها ذی‌نفع ایجاد دالان زنگ زور نبوده است نبوده است؛ بلکه کشورهای دیگر در پشت پرده این مسئله وجود

^۱. Nazli Baghdasarian.

دارند. از آن رو ما به بررسی خواست‌ها و نیت هریک یک از حامیان جمهوری آذربایجان در این موضوع می‌پردازیم.

نقش رژیم صهیونیستی در مسئله دالان زنگه‌زور

در سال‌های اخیر روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی از نظر همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، به سطح بالایی ارتقاء یافت. بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI)، جمهوری آذربایجان دومین مقصد بزرگ رژیم صهیونیستی برای صادرات تسلیحات بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ بوده است. در همین حال در جنگ دوم قره‌باغ کوهستانی، جمهوری آذربایجان عرضه انرژی خود به رژیم صهیونیستی را افزایش داده است که در حال حاضر ۴۰ درصد از نیاز انرژی رژیم صهیونیستی پس از جنگ اوکراین را تشکیل می‌دهد. علاوه بر همه این دلایل عمل‌گرایانه، روابط نزدیک بین دو کشور دارای مبانی تاریخی و فرهنگی نیز می‌باشد: جمهوری آذربایجان خانه آخرین جامعه یهودی باقی‌مانده در قفقاز است که به نام کراسنایا اسلوبودا (شهر سرخ) شناخته می‌شود (Murad Muradov and Ilkin Qoli F, 26/5/2022). با وجود این، نزدیکی رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان هدف دیگری دارد و آن هم جمهوری اسلامی ایران است.

یکی از دکترین‌های رژیم صهیونیستی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران محدودسازی ایران در درون مرزهای خود است. در همین خصوص رژیم صهیونیستی دکترین پیرامون را در دستور کار داده است، به این معنا که به دنبال مهار ایران به‌وسیله کشورهای پیرامون است و جمهوری آذربایجان نیز یکی از کشورهایی است که رژیم صهیونیستی می‌خواهد از آن در راستای مقابله با ایران استفاده کند (ایسنا، ۱۴۰۱/۹/۷). رژیم صهیونیستی حتی پیش از فروپاشی شوروی برای حضور در جمهوری آذربایجان تلاش می‌کرد و در این راستا نیز در سال ۱۹۹۰، انجمن دوستی جمهوری آذربایجان به‌واسطه رژیم صهیونیستی ایجاد شد که طبق آن یهودیان جمهوری آذربایجان با جوامع یهودیان آمریکا و رژیم صهیونیستی روابط نزدیکی دارند. نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از دوران حکومت ملی‌گرایان افراطی جبهه خلق بر جمهوری آذربایجان آغاز شد. ابوالفضل ایلچی بیگ رئیس جبهه مزبور به خاطر رؤیاهای تشکیل «توران بزرگ» از ترکیه تا چین و اعتماد و اطمینان به دستیابی به این اوهام با کمک و مساعدت رژیم صهیونیستی، به این رژیم نزدیک شد (ابراهیمی کیایی و زارعی، ۱۳۹۹: ۱۳۸). که در این امر دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران نیز دیدگاه و رویکرد مشترک بین آن دو را فراهم ساخت.

البته با صرف نظر از هدف فشار بر ایران، صهیونیست‌ها و رژیم صهیونیستی، احتمالاً در میان خودشان نسبت به منطقه باکو و جمهوری آذربایجان و همه سرزمین‌های ساحلی غربی دریای خزر داعیه ارضی تاریخی دارند که در صورت فراهم شدن زمینه‌های عینی، آن را عملی خواهند کرد. آن‌ها مدعی هستند که همه این سرزمین در گذشته از آن یک قوم یهودی به نام «خزران» بوده و در آنجا دولتی مستقر بوده است. کتاب خزران یا قبله سیزدهم نوشته آرتور کستلر^۱ در همین زمینه ارزیابی می‌شود (برای کسب اطلاعات بیشتر ر. ک، کستلر، ۱۳۶۱).

ولی گذشته از این نوع تلاش‌ها و توهمات در شرایط کنونی، رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر عمده میدان دگرگونی ژئوپلیتیک اخیر در قفقاز که نقش بسیار مهمی نیز در این زمینه بازی کرده است. اگرچه رژیم صهیونیستی در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پی گسترش نفوذ خود در قفقاز و آسیای مرکزی بود و در این راه در اندک‌زمان ممکن نیز پیروزی‌های چشمگیری به دست آورده بود، اما نقش آفرینی آن در رویدادهای اخیر قفقاز جنوبی تنها بر اساس سیاست نفوذ استوار نبود. به‌عبارت‌دیگر رژیم صهیونیستی هدف عمده دیگری را دنبال می‌کرد که از حضور یا رخنه صرف در این مناطق بسیار فراتر می‌رود.

درواقع می‌توان گفت که اعمال فشار به جمهوری اسلامی و تضمین حضور نظامی در مرزهای ایران چه در شمال و چه جنوب هدف عمده رژیم صهیونیستی بوده است. درواقع رژیم صهیونیستی در پی آن بود تا با کمک به تغییر در مرزهای قفقاز جنوبی و ژئوپلیتیک آن، جمهوری اسلامی را بیش‌ازپیش تحت فشار قرار دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که کمک‌های نظامی و احتمالاً اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به جمهوری آذربایجان و به‌ویژه مجهز کردن ارتش باکو به سلاح‌های مدرنی چون پهپادهای جنگی هوشمند، بیشترین نقش را در شکست ارامنه داشته است. درواقع شکست ارامنه به‌خاطر رشادت و قهرمانی سربازان جمهوری آذربایجان نبود؛ بلکه دستاورد حملات نظامی گسترده هوایی بود که از سوی پهپادهای رژیم صهیونیستی و ترکی هدایت می‌شد و تمامی اهداف نظامی از جمله نیروهای انسانی و تجهیزات ارامنه را در جبهه‌های جنگ نابود کرد (احمدی، ۱۳۹۹/۱۱). نیروهای رژیم صهیونیستی در قالب ایجاد پایگاه‌های نظامی، حضوری در جمهوری آذربایجان ندارند، بلکه نفوذ نظامی و امنیتی آن‌ها در ساختار و بدنه جمهوری آذربایجان خود را در قالب مشاوره امنیتی، مستشاری نظامی، آموزش نظامی، فروش تسلیحات به جمهوری آذربایجان تا سقف ۶ میلیارد دلار و ... نشان می‌دهد. راهبرد رژیم صهیونیستی برای تقابل با نفوذ ایران در فلسطین، لبنان، سوریه و ... در کنار مرزهای فلسطین

^۱. Arthur koestiler

اشغالی، تقابل به مثل است؛ یعنی صهیونیست‌ها در کنار مرزهای ایران به دنبال نفوذ هستند. یکی از این همسایگان بی‌شک جمهوری آذربایجان است.

حتی نکته مهم‌تر اینجاست که رژیم صهیونیستی بعد از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ و آزادی برخی از مناطق تحت سیطره ارمنستان سعی دارند در قالب و پوشش ایجاد روستاها، شهرها و مجتمع‌های کشاورزی هوشمند در این مناطق آزادشده حضوری جدی پیدا کند؛ حضوری که کاملاً امنیتی، نظامی و اطلاعاتی است. چون این مناطق آزادشده از حیث راهبردی و سوق‌الجیشی به قدری برای صهیونیست‌ها راهگشا است که می‌توانند از قره‌باغ اشراف و شنود اطلاعاتی تا بندرعباس هم داشته باشند. در همین راستا آمریکایی‌ها قبل از انقلاب در همین منطقه قره‌باغ پایگاه‌های استراق سمع داشتند؛ چون به راحتی می‌توانستند تا مسکو و سن‌پترزبورگ را رصد و شنود کنند (شعیب بهمن، ۱۴۰۰/۹/۳).

در راستای تعمیق روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان، در سال ۲۰۲۲، جمهوری آذربایجان سفارت‌خانه خود را در تل‌آویو افتتاح کرده است. در حال حاضر جمهوری آذربایجان علاوه بر تأمین ۴۰ درصد از تقاضای نفت رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۱۹، ۷۰ درصد تسلیحات جمهوری آذربایجان را تأمین می‌کرد. تسلیحاتی اعم از سیستم‌های پیشرفته مانند دفاع موشکی باراک ۸ تا هواپیماهای بدون سرنشین مانند هرمس و اوربیتور و همچنین موشک‌های بالستیک، توانایی‌های نظامی جمهوری آذربایجان را تقویت کرده‌اند. اخیراً، آژانس فضایی ملی جمهوری آذربایجان، از صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی تولیداتی را خریداری کرده است. بیش از ۱۰۰ شرکت رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان فعالیت دارند و به بخش‌هایی مانند کشاورزی، آموزش و پزشکی کمک می‌کنند. برنامه‌های جمهوری آذربایجان برای صادرات گندم به رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۲۵ و تبادل سالانه دانشجویان آذری بر ماهیت چندوجهی این مشارکت راهبردی تأکید می‌کند (Cohen, 13/11/2023).

حتی رژیم صهیونیستی به منابع انرژی این منطقه هم‌چشم داشته و از یک‌طرف در پی تقویت حوزه امنیت عرضه و حمل‌ونقل انرژی در مدیترانه است و از سویی می‌خواهد که سهم ویژه‌ای از منابع انرژی حوزه دریای خزر به دست آورد؛ بنابراین هر یک از طرف‌ها منافع خود را دارند و بر پایه آن اهداف مسیر خود را در منطقه تنظیم می‌کنند. به طوری که این پروژه از دو دهه پیش مطرح شد. کاندولیزا رایس وزیر خارجه اسبق آمریکا، مبتکر این طرح بود و در دوران بوش پسر حتی پس از آن مرتب به رفت‌وآمد بین کشورهای منطقه مشغول بود (روزنامه آرمان:

۱۴۰۱/۶/۳۰). پس از لایه‌های پنهان در مسئله زنگه‌زور هست که محدودسازی ایران از جمله اهداف رژیم صهیونیستی برای نفوذ و سرمایه‌گذاری عظیم در منطقه قفقاز بوده است.

نقش اروپا و ترکیه

با وجود اینکه اروپا در سال‌های اخیر همواره طرفین جنگ را به خویشتن‌داری دعوت کرده است و اقدامات خشن را محکوم کرده؛ ولی در موضوع زنگه‌زور خود دارای منافع است؛ چراکه حجم کالاهای مبادله شده بین چین و اتحادیه اروپا تریلیون‌ها دلار اندازه‌گیری می‌شود. در حال حاضر کالاهای چینی از آسیای مرکزی عبور می‌کنند، در کشتی‌ها بارگیری و از دریای خزر به بندر آلات^۱ منتقل می‌شوند. سپس کالاها از طریق راه آهن باکو - تفلیس - قارص به ترکیه و از آنجا به اروپا منتقل می‌شوند. این فرآیند ۲ هفته طول می‌کشد. البته کالاهای اروپایی نیز در جهت مخالف به چین ارسال می‌شود. در این راه کریدور زنگه‌زور کوتاه‌ترین مسیر اتصال اتحادیه اروپا به چین است (Blank, 2022). از طرفی تقویت محور ناتو هم از این مسیر فراهم می‌شود. برای این کار اروپا از ترکیه برای ایجاد این دالان حمایت می‌کند.

ترکیه در میدان دگرگونی‌های اخیر قفقاز جنوبی بسیار فعال بوده است. در سال‌های فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد در میان دو مسئله بزرگ سیاست خارجی یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا از یک‌سو و سیاست دنیای ترک یا پیشبرد رؤیای قدیمی پان ترکی و تشکیل حکومت گسترده از مرزهای چین تا اروپا قرار گرفته بود. اگرچه بی‌حاصل بودن تلاش‌های نخستین دولت‌های ترکیه برای پیشبرد پان‌ترکیسم از راه برپایی نشست‌های سالیانه رهبران جمهوری آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان در اواخر دهه ۱۹۹۰ فرجامی نداشت و ترکیه را دچار سرخوردگی کرده و به‌سوی سیاست پیوستن به اتحادیه اروپا کشانده بود، اما ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا نیز در طول دهه پایانی قرن بیستم، آنکارا را در پیگیری آرمان پان‌ترکیسم از راه فرهنگی و اقتصادی مصمم ساخت.

در طول تاریخ مرزهای بین ایران و ترکیه همیشه از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند. بر اساس گفته محمدعلی بهمنی قاجار با افزایش فعالیت‌های پان‌ترکیستی در سال ۱۳۰۲ نظامیان ترکیه منطقه بلاغ‌باشی در جنوب باختری مرداب یارام‌قیه و رشته‌کوه آرات در شمال باختری شهرستان ماکو را اشغال می‌کنند. در مقابل مقامات ایرانی از اقدام نظامی صرف‌نظر کردند و سعی در رفع اختلاف از مجاری دیپلماتیک به‌صورت مسالمت‌آمیز کردند؛ اما کشمکش‌ها برای

^۱. Alat.

بازگرداندن این مناطق ادامه یافت. در سال ۱۳۰۸ دولت‌های ایران و ترکیه یک کمیسیون برای رفع اختلافات مرزی ایجاد کردند. مسئله دیگر در اختلافات مرزی بین دو کشور ایران و ترکیه بر سر منطقه قره‌سو و سردار بلاغ بود. هم‌زمان در ۱۳۰۲ ترکیه به این منطقه هم‌چشم می‌دوزد. در نهایت منطقه حدفاصل رود ارس و نهر قره‌سو یعنی دالان راهبردی را که بعدها تنها راه اتصال ترکیه به منطقه نخجوان و از این طریق به جمهوری آذربایجان شد، باید بخشی از خاک ایران دانست که در قرارداد سرحدی ۱۳۱۱ خورشیدی از ایران جدا شده و به قلمرو ترکیه منضم شده است (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۶۵۴-۶۷۳). ضعف و بی‌عملی دولت ایران و نیز بی‌توجهی به بی‌اعتباری عهدنامه ترکمن‌چای و بی‌اعتباری عهدنامه قارص برای ایران و بی‌توجهی به اهمیت مالکیت سابق و تصرف لاحق ایران، موجب از دست رفتن این بخش راهبردی از خاک ایران شد. حسین مکی، در جلد ششم کتاب «تاریخ بیست‌ساله ایران» نقل‌قول‌هایی را از زبان سرلشکر حسن ارفع در مورد اختلافات مرزی ایران و ترکیه بیان می‌کند که بسیار مورد توجه است و از قول حسن ارفع در کتاب خاطراتش می‌نویسد:

«آنجا سخت مورد نیاز ماست و از این حرف‌ها؛ ولی پس از مدتی که باحرارت عرایضی کردم، باکمال تعجب دیدم اعلیحضرت چیزی نمی‌فرمایند. وقتی سرم را بلند کردم، دیدم شاه باحالت مخصوصی به من نگاه می‌کند؛ گویی به حرف‌هایم چندان توجهی ندارد و تنها چشم به چشم من دوخته است تا ببیند من چه می‌گویم. من سکوت کردم. فرمودند: معلوم است منظور مرا نفهمیدی، عرض کردم: بله قربان، فرمودند: منظور این تپه و آن تپه نیست. منظور من این است که دودستگی و جدایی که بین ایران و ترکیه از چند صدسال [قبل] وجود دارد و همیشه به زیان هر دو کشور و به سود دشمنان مشترک ما بوده است، از میان برود. مهم نیست که این تپه از آن که باشد، آنچه مهم است این است که ما باهم دوست باشیم» (مکی، ۱۳۶۲: ۱۵۴-۱۵۳).

منطقه‌ای که ترکیه در دوره پهلوی اول تصرف کرد امروز نقطه شروعی برای ایجاد یک دالان جدید شده که مرزهای ایران را تهدید می‌کند. فعالیت‌های پان‌ترکیستی ترکیه تا امروز ادامه پیدا کرده به‌طوری‌که پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال‌های نخستین دهه قرن بیست و یک و دستاوردهای اقتصاد سیاسی آن در سال‌های بعدی گرایش رجب طیب اردوغان به‌سوی سیاست مبتنی بر تمرکز و استحکام قدرت ترکیه در منطقه یعنی نوعثمانی‌گری منجر شد (احمدی، ۱۱/ ۱۳۹۹). یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه، چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل و توجه به مناطق پیرامونی است. یکی از مناطقی که در این زمان برای مقامات ترکیه اهمیت داشت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود. از این‌رو

ترکیه تلاش می‌نمود تا نفوذ خود را در این مناطق افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف آذربایجان به عنوان کلید دست‌یافتن ترکیه به این منطقه و منافع آن بود. زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان دو کشور ترکیه و آذربایجان عامل تسریع‌کننده و مهمی برای ترکیه در جهت توسعه نفوذ در منطقه محسوب می‌شد. از همین رو ترکیه روابط مستحکمی را با این کشور برقرار کرد. امروزه روابط آنکارا - باکو، روابط پایدار و رو به گسترش است (فلاح‌پیشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵).

رجب طیب اردوغان که هرگز از فرصت گسترش عمق راهبردی ترکی - اسلامی خود دریغ نمی‌کند، به دنبال استفاده از کریدور غربی - شرقی زنگه‌زور برای رسیدن به خزر، سپس ترکمنستان تا سین کیانگ است. این مسیر حداقل در تئوری، می‌تواند به جاده ابریشم ترکیه تبدیل شود که ایران را دور می‌زند. در همین حال، تهران کاملاً مبتنی بر کریدور شمال - جنوب است و به دنبال بازسازی و ارتقاء دو راه آهن دوران شوروی است؛ نخست مسیر جنوب - شمال، از جلفا به نخجوان و سپس به ایروان و تفلیس متصل می‌شود. دیگری غرب - شرقی است و دوباره از جلفا تا نخجوان، از جنوب ارمنستان، جمهوری آذربایجان و سپس به روسیه می‌گذرد. بخش مهمی از تجارت ترکیه با آسیای مرکزی به ترانزیت با کامیون از طریق روسیه و ایران وابسته است. سالانه ۴۳ هزار کامیون ترکیه‌ای از ایران به آسیای مرکزی تردد می‌کنند. بحران‌های سیاسی بین ترکیه و ایران که رقیب منطقه‌ای هستند، بر دسترسی دولت ترکیه به آسیای مرکزی تأثیر منفی گذاشته است (تحلیل بازار، ۱۴۰۱/۹/۱۵). با افتتاح کریدور غربی - شرقی زنگه‌زور، آنکارا جایگزین و میان‌بر جدیدی برای تجارت با آسیای مرکزی خواهد داشت.

در همین راستا ترکیه همواره به دنبال این بود که سرزمین به‌هم‌پیوسته‌ای به نام دالان تورانی که از خودش شروع می‌شود و تا جنوب چین ادامه دارد را ایجاد کند و از این طریق بتواند بین اروپا و آسیا حائل شود به منافع اقتصادی و نظامی خود دست یابد و امپراتوری فروپاشیده شده عثمانی را در قالب امپراتوری کشورهای ترک احیا کند. ترکیه در پی ایجاد یک مسیر زمینی است که این کشور را مستقیماً به جمهوری آذربایجان متصل کند و سپس هم سرزمین مدنظر خود را تا جنوب چین امتداد دهد. از طرفی ارمنستان یکی از موانع ایجاد دالان تورانی است و ترکیه برای اجرای این نقشه خود نگاهی به آذربایجان ایران هم دارد. به همین دلیل ترکیه جمهوری آذربایجان را با خود هم‌پیمان و متحد کرده است؛ لذا رد پای ترکیه در تحریک علی‌اف به طرح ادعاهای ضدایرانی را می‌توان به طور پررنگی دید (ایسنا، ۱۴۰۱/۹/۷). هدف اصلی این کشورها به ایجاد یک جاده منتهی نمی‌شود و آن‌ها درصدد هستند که در دل این

کریدور خطوط ریلی و حتی خطوط انتقال انرژی را احداث کنند. آغاز پروژه‌های راهبردی مانند خط لوله نفت خام باکو-تفلیس-جیهان (BTC) و خطوط لوله گاز طبیعی باکو-تفلیس-ارزروم (BTE)، راه آهن باکو-تفلیس-کارس (BTK)، خط لوله ترانس آناتولی (TANAP) و پیگیری آن از خط لوله ترانس آذربایطیک (TAP) نقاط عطف این همکاری است (Iskandarov and Gawliczek, 2020, 25-33). اروپا هم از این روند بهره‌مند می‌شوند و طریق ترکیه تلاش می‌کند با دور زدن روسیه و ایران جریان منابع قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی به اروپا را تضمین کند تا از نفوذ مسکو و پکن بکاهد و تهدیدات امنیتی نوظهور را به حداقل ممکن ننگه دارد (Nasirov et al, 2017).

از زمان پایان درگیری نظامی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، دولت ترکیه از گشایش دالان زنگه‌زور حمایت و برای برقراری روابط میان باکو و ایروان که بر اثر جنگ قطع شده تلاش کرده است. روز ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲، استانبول میزبان رؤسای مجالس جمهوری آذربایجان، پاکستان و ترکیه بود. رئیس مجلس ترکیه در سخنرانی خود در همایش استانبول گفت، دالان زنگه‌زور، به رونق اقتصادی منطقه کمک خواهد کرد. با بازگشایی دالان زنگه‌زور غربی - شرقی، امکان دسترسی ترکیه به حوزه دریای خزر فراهم می‌شود و این دالان به یکی از کوتاه‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل زمینی بین ترکیه، آسیای مرکزی و چین تبدیل خواهد شد. کشورهای آسیای مرکزی با توجه به جنگ روسیه و اوکراین خواستار دسترسی به مسیری تازه برای حمل‌ونقل زمینی بین این منطقه و اروپا هستند. با راه‌اندازی راه‌آهن باکو - تفلیس - قارص و گشایش دالان زنگه‌زور، موافقت‌نامه‌ای برای حمل‌ونقل زمینی بین کشورهای منطقه امضا خواهد شد. این دالان، ارتباط زمینی بین دریای سیاه، قفقاز، آسیای مرکزی با هند، چین و دیگر کشورهای شرق و جنوب آسیا را فراهم خواهد آورد.

نقش محور ناتو

برای اولین بار صحبت از دالان تورانی ناتو را شورای راهبردی روابط خارجی تهران که مدیر آن کمال خرازی وزیر سابق امور خارجه ایران است، در مقاله‌ای با عنوان «توطئه برای ایجاد کریدور تورانی ناتو» مطرح نمود. در آن مقاله، شورا اشاره کرد که تکمیل کریدور پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی برای ایران، روسیه و چین خواهد داشت. این کریدور به «کریدور تورانی» ناتو معروف شده است، پروژه‌ای که ظاهراً توسط رژیم صهیونیستی و ناتو طراحی حمایت می‌شود و ترکیه و جمهوری آذربایجان با ساخت این کریدور می‌خواهند در مناطقی از ایران که ترک‌زبان‌ها در آن زندگی می‌کنند، ناآرامی‌های قومیتی ایجاد کنند. مقاله براین باور است که کریدور تورانی ناتو قرار است مستقیماً ناتو را وارد مرز شمالی ایران، مرز جنوبی روسیه و غرب

چین در سین کیانگ کند و طرح محاصره این کشورها و زمینه‌سازی برای تجزیه آن‌ها را تکمیل کند (کاظمی، ۱۴۰۱/۶/۱۵). حضور ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی مکمل طرح محاصره روسیه از دریای سیاه، محاصره چین از دریای چین جنوبی و محاصره ایران از خلیج فارس است.

از منظر غرب، روسیه، چین و ایران سه دشمن اصلی ناتو هستند و ائتلاف آن‌ها به معنای ایجاد نظم نوین منطقه‌ای علیه غرب است. از آنجاکه منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به‌عنوان هارتلند زمین، تنها منطقه‌ای است که با این سه کشور مشترک است، بنابراین مستعدترین کانون جغرافیایی برای ضربه‌زدن به ایران، روسیه و چین محسوب می‌شود و موتور محرکه این کانون، ترویج ایده پان‌ترکیسم و پان‌تورانیسم است. قرار است در این فرایند ایده «پان‌ترکیسم» مانند ایده «نازیسم» و «دالان تورانی» آن مانند «دالان دانزیک هیتلر» در قبل از جنگ جهانی دوم برای تغییرات ژئوپلیتیکی ایفای نقش کند و در چند محور زیر، ضرباتی متوجه سه کشور مذکور بنماید.

۱. **حوزه ترانزیتی:** روسیه، چین و ایران در حال حاضر در محوریت چهار طرح ترانزیتی مهم «یک کمربند - یک جاده»، «دالان شمال - جنوب»، «کریدور خلیج فارس به دریای سیاه» و «کریدور اکو» قرار دارند. در چارچوب دالان تورانی ناتو قرار است «کریدور لاجوردی» توسط آنکارا از ترکیه به قفقاز و آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان (گوادر) ایجاد و کریدورهای چهارگانه فوق‌الذکر به‌نوعی از میانه قطع یا تضعیف شوند.

۲. **حوزه انرژی:** دالان تورانی ناتو قرار است گاز ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان را از خزر به باکو برساند. در حال حاضر از باکو تا ایتالیا خط لوله انتقال گاز (شامل قفقاز جنوبی، تاناب و تاپ) فعال است؛ اما باکو به‌تنهایی گاز کافی برای ارسال از این خط لوله ندارد. با تحقق دالان تورانی ناتو و اتصال گاز سه کشور مذکور به این خطوط لوله، اروپا به گاز روسیه در قالب خطوط لوله راهبردی نورد استریم و ایران نیاز جدی نخواهد داشت و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه و ایران در حوزه انرژی تضعیف و چین نیز در تأمین انرژی موردنیاز خود از آسیای مرکزی با مشکل مواجه خواهد شد. از این منظر، حامیان طرح دالان تورانی ناتو امیدوارند با تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی خزر در مجلس شورای اسلامی که در آن احداث خطوط لوله انرژی در بستر خزر مجاز شمرده‌شده، راه برای ایجاد خط لوله انرژی دالان تورانی هموار گردد.

۳. **در حوزه مسائل قومی:** دالان تورانی ناتو قرار است با اتکا به بسترسازی قومی که باکو و ترکیه در حوزه آذری‌ها، ترکمن‌ها، تاتارها و اویغور ایجاد کرده‌اند یک موج گسترده قومی مبتنی بر پان‌ترکیسم علیه مناطق آذری‌نشین و ترکمن‌نشین ایران، اویغور نشین چین و تاتار و ترک‌نشین روسیه ایجاد کند.

در حوزه گسترش ناتو می‌توان گفت که دالان تورانی ناتو قرار است مستقیماً ناتو را وارد مرزهای شمالی ایران، جنوبی روسیه و غربی چین در سین‌کیانگ و طرح محاصره این کشورها و زمینه‌سازی برای تجزیه آن‌ها را تکمیل کند. حضور ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی به‌عنوان مکمل طرح محاصره روسیه از سمت دریای سیاه، محاصره چین از دریای جنوبی چین و محاصره ایران از سمت خلیج‌فارس است. همچنین در هدف‌گذاری ناتو، دالان تورانی ناتو به‌عنوان مقدمه تقویت سازمان کشورهای به‌اصطلاح ترک‌زبان و تأسیس به‌اصطلاح «ناتوی ترکی» در قالب این سازمان (شبهه ایده ناتوی عربی در سازمان همکاری خلیج‌فارس) است (کاظمی، ۱۴۰۱/۶/۱۵). در همین رابطه سفیر سابق انگلستان در ناتو صراحتاً حمایت خود را از طرح ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایجاد این کریدور اعلام داشت و عنوان کرد در صورت ایجاد این کریدور، ناتو مستقیماً از خاک ترکیه، جمهوری نخجوان و جمهوری آذربایجان می‌تواند به دریای خزر برسد؛ یعنی ناتو با این کریدور تا بیخ گوش مرزهای ایران و روسیه در دریای خزر خواهد رسید. مضافاً بازیگری مخرب رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و حمایت آشکار و پنهان تل‌آویو از سیاست‌های آنکارا در منطقه قفقاز را هم نباید از نظر دور داشت؛ بنابراین این درگیری‌ها محدود به کشور ارمنستان نیست، بلکه طرف جدی‌تر آن جمهوری اسلامی ایران است. (شعیب بهمن، ۱۴۰۰/۹/۳).

در راستای ایجاد دالان تورانی ناتو، ایالات متحده نیز یکی دیگر از پشتیبانان اهداف الهام‌علی‌اف است؛ چنان‌که در جریان جنگ ناتو با افغانستان، فرماندهان نظامی آمریکا به جمهوری آذربایجان سفر کردند تا با وجود انتشار گزارش‌هایی در مورد شباهت رفتاری رئیس‌جمهوری آن کشور با سران مافیا، با الهام‌علی‌اف دیدار کنند. مقام‌های وزارت دفاع آمریکا علی‌اف را متقاعد ساختند که مرزها و حریم هوایی کشورش را که اهمیت حیاتی برای مسیر تدارکاتی ناتو و آمریکا در افغانستان داشتند، باز کند. در عوض واشنگتن به علی‌اف پیشنهاد شراکت دیپلماتیک و قرارداد دفاعی به ارزش ۳۶۹ میلیون دلار با هواپیمایی ترابری آذربایجانی «جاده ابریشم» داد (خبرگزاری قطره، ۱۴۰۱/۹/۱۵) حتی خواست ترکیه یک خواست ملی و ترکی نیز نبوده؛ بلکه در دولت عدالت و توسعه در راستای سیاست‌های غرب‌گرایانه خود و همراهی با ایالات متحده آمریکا در قفقاز، به‌عنوان بازوی منطقه‌ای غرب و آمریکا شناخته می‌شود. هرچند ترکیه در این دوران تلاش کرده است که سیاست خارجی خود را متوازن کند و تنها در چارچوب منافع غرب گام بردارد اما به راحتی می‌توان اذعان کرد که دید غرب‌گرایانه و همراهی با ایالات متحده آمریکا هنوز در نزد دولتمردان این کشور به وضوح دیده می‌شود. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق و افغانستان برای مقابله با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، حضور

آمریکا و ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه همکاری ترکیه پررنگ شد. در کنار راهکارهای سیاسی آمریکا برای مقابله با بنیادگرایی و نفوذ ایران و روسیه، یکی دیگر از راهکارهای این کشور برای مقابله موارد فوق حمایت از الگوی پیشرفت ترکیه برای کشورها منطقه بوده است (فلاح پیشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۷).

حمایت غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا از سیاست چهارراه انرژی یا ترکی سازی خطوط لوله مشهود است و سیاست دیگر آمریکا مبنی بر عبور نکردن خطوط لوله از ایران و روسیه و انزوای این دو کشور، عامل دیگری در افزایش سهم ترکیه در امر انرژی منطقه قفقاز است. به طوری که در سال ۲۰۰۵، اولین خط لوله غیر روسی یعنی باکو - تفلیس - جیهان به ثمر نشست و چندی بعد نیز خط لوله باکو - تفلیس - ارض روم به ثمر نشست. خط لوله باکو نیز در منطقه مطرح شده است؛ ولی هنوز به بهره برداری نرسیده است (فلاح پیشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۹)؛ بنابراین یکی دیگر از لایه های مسئله دالان زنگه زور در این مرحله باز می شود به طوری که غرب و ایالات متحده و همچنین ناتو در پی ایجاد یک دالان تورانی هستند که از حمایت همه جانبه غرب برخوردار هستند.

مسئله انرژی در کنار بحث ناتوی نظامی از اهمیت به سزایی برخوردار است به طوری که در طرح دالان زنگه زور غربی - شرقی قرار بود با حذف مسیر ایران، انتقال نفت و گاز به ترکیه از مسیر جمهوری آذربایجان صورت گیرد. پروژه ای که در دو دهه گذشته از سوی ترکیه، کشورهای غربی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در دست اجرا بود حال با جنگ ارمنستان و جمهوری آذربایجان که در نهایت با واگذاری قره باغ به جمهوری آذربایجان همراه بود این پروژه را با سرعت بیشتری همراه کرده است موضوعی که به اعتقاد کارشناسان، منابع انرژی دریای خزر نقشه ژئو انرژی و جغرافیای انرژی جهان را تحت فشار قرار خواهد داد و خزر محور پروژه کمربند جاده انرژی خواهد شد و کشورهای اروپایی با استفاده از جمهوری آذربایجان عضو جدید خود تمامی گاز خزر را از طریق ترکیه و با حذف ایران به دست خواهند آورد. به گفته کارشناسان ایران در حوزه خزر به سهم ۱۳ درصدی خود اکتفا کرده که این رویکرد باعث حذف ایران از میلیاردها دلار انرژی خواهد شد؛ بنابراین پروژه کریدور ترکستان که حالا مدتی است با نام دالان زنگه زور از آن نامبرده می شود با هدف حذف مسیر ایران برای انتقال نفت یا گاز برای انتقال به ترکیه از مسیر جمهوری آذربایجان است. یک طرح بیست ساله که ترکیه، کشورهای غربی، رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان که آن را به عنوان یک پروژه راهبردی در دست اجرا داشتند و منتظر فرصت و شکل گیری نظم نوین منطقه دریای خزر بودند (فریدون برکشلی، ۱۴۰۱/۷/۹).

تخمین‌های وزارت انرژی آمریکا، حکایت از آن دارد که دریای خزر ۲۹۲ میلیارد فوت مکعب گاز دارد و تسلط بر آن اهمیت بسیار زیادی دارد، در چهارچوب این طرح تقریباً تمام گاز دریای خزر به سمت ترکیه و از آنجا به اروپا و مدیترانه متصل می‌شود؛ بنابراین اهداف و دستاوردهای بدیهی اقتصادی، سیاسی و راهبردی برای آنکارا و باکو در پی دارد. جمهوری آذربایجان با تمام قوا می‌کوشد تا به‌عنوان یک کشور اروپایی شناخته شود و متعاقباً برای عضویت در ناتو، اقدام کند. از طرف دیگر ترکیه می‌کوشد تا وارد پیمان شانگهای شود و همراه چین، هند و روسیه به‌عنوان یک قدرت مسلط مورد توجه و حمایت قرار گیرد. ترکیه و جمهوری آذربایجان هر دو بنا دارند از زوایای منافع خود با غرب و شرق هماهنگی ایجاد کنند. آمریکا و اتحادیه اروپا، حامی گسترش ناتو به مرزهای جنوبی روسیه و تنگ کردن حلقه حصار خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هستند (روزنامه آرمان: ۱۴۰۱/۶/۳۰).

با اجرایی‌شدن پروژه زنگه‌زور و حذف ایران از نقش‌آفرینی در حوزه انرژی خزر، به نظر می‌رسد که ایران در دریای خزر، بازی را واگذار کند. مرزهای بین‌المللی در شمال غربی ایران در حال تغییرند و این به زیان منافع ملی جمهوری اسلامی است. ترکیه و جمهوری آذربایجان در تلاش هستند تا یک محور تقریباً ۳۰ کیلومتری را از آن خود سازند؛ بنابراین در بعد ژئوپلیتیک، زمینه از دست ایران خارج خواهد شد و برتری راهبردی که تا حدی به یمن اختلافات ارمنستان و ترکیه و جمهوری آذربایجان در اختیار ایران بوده است، از دست خواهد رفت. ایران نتوانست حتی از منابع انرژی در سهم خود از دریای خزر بهره‌برداری آن‌چنانی داشته باشد.

دریای خزر یعنی خلیج فارس ثانی. منابع انرژی دریای خزر نقشه ژئوانرژی و جغرافیای انرژی جهان را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. خزر محور پروژه کمربند جاده انرژی خواهد بود. جمهوری آذربایجان به پیمان آتلانتیک شمالی یک ناتوی انرژی هدیه خواهد کرد. هدیه‌ای که تحمل یک جنگ فرسایشی تازه مانند اوکراین را برای ناتو مقرون‌به‌صرفه و بلکه مطلوب خواهد کرد. ترکیه بزرگ‌ترین منتفع‌دالان زنگه‌زور تلقی می‌شود. این کشور بدون در اختیار داشتن منابع نفت و گاز، انتقال انرژی از منطقه دریای خزر را در اختیار می‌گیرد و با این برگ برنده، در سطح منطقه و جهان بازی‌ها خواهد کرد. حتی اتحادیه اروپا هم از این پروژه استقبال می‌کند. در حقیقت یکی از مهم‌ترین خواست‌های اروپا، تنوع‌بخشی به منابع تأمین گاز و انرژی است. در اتحادیه اروپا، تنها یونان از این تحولات و تقویت نقش ترکیه نگران است. بقیه کشورهای اروپا قطعاً از شکل‌گیری این کریدور استقبال می‌کنند. برخی از مقامات اروپایی هم بابت نارضایتی جمهوری اسلامی ایران و اقدامات احتمالی ابراز نگرانی داشته‌اند.

سیاست خارجی جمهوری آذربایجان را به‌عنوان کشوری که در حال حاضر کم‌وبیش در شرایط مستعمرگی ترکیه قرار گرفته می‌توان در سه محور علیه ایران دانست: اولاً تنش در قفقاز جنوبی به نفع ایران نیست و صرفاً نفوذ ترکیه را افزایش خواهد داد. دوم ایجاد تنش در درون ایران و به آشوب کشیدن شمال غرب ایران که از طرف محور باکو - آنکارا دیگر حتی پنهان نیز نمی‌شود. سوم محاصره و مهار ایران که از سوی برخی از کشورهای خاورمیانه و غرب نیز مورد حمایت است (روزنامه آرمان: ۱۴۰۱/۶/۳۰). مشکل اصلی در این زمینه نه راه ارتباطی دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان بلکه وجود کشورهای مختلف از جمله کشورهای غربی، رژیم صهیونیستی و ترکیه در این مسئله است.

جمهوری آذربایجان ۱۵ درصد گازی را که از طریق ایران به نخجوان ارسال می‌کرد به‌عنوان کمیسیون به ایران می‌داد. ایران در سال ۱۹۹۶ قرارداد فروش گاز با ترکیه را امضا کرد. به دلیل این توافق، ترکیه سال‌ها بود که از ایران گاز گران می‌خرید. درحالی‌که ترکیه به ازای هر هزار مترمکعب ۴۹۰ دلار به ایران می‌پردازد، می‌تواند گاز جمهوری آذربایجان را به قیمت ۳۳۵ دلار خریداری کند. اگر در آینده یک خط گاز از جمهوری آذربایجان به ترکیه از طریق این کریدور کشیده شود، ضرر گاز ایران ممکن است زیاد باشد.

پروژه خط لوله که قرار بود از ترکمنستان شروع و از طریق ایران به ترکیه برود، در سال ۲۰۱۷ به دلیل اختلافات مالی مسدود شد. ترکمنستان اکنون می‌تواند این گاز را از طریق جمهوری آذربایجان به ترکیه برساند. اهمیت خط لوله ایران به ارمنستان نیز کاهش یافته است. پروژه خط لوله ترانس خزر با حمایت ایالات متحده ممکن است دوباره مطرح شود. این خط لوله که از ترکمن باشی، پایتخت ترکمنستان تا باکو امتداد دارد، از طریق خطوط لوله موجود بین جمهوری آذربایجان - گرجستان - ترکیه به اروپا قابل تحویل است. موانع بیشتری در مقابل پروژه خط لوله که قرار است گاز ایران را به اروپا منتقل کند، ایجاد خواهد شد؛ اما به نظر می‌رسد که هدف اصلی کشورهای که ذکرشان رفت محدودسازی ایران به درون مرزهای خودش است، حال در ادامه پژوهش تأثیرات ایجاد این دالان بر روی ایران را واکاوی می‌کنیم.

دالان زنگه‌زور و محاصره ایران

با مطرح کردن کشورهای فعال در ایجاد دالان زنگه‌زور و شناخت علایق هر یک از آن‌ها، اکنون می‌توان به ایران و منافع ملی ایران در ایجاد این دالان پرداخت. مسئله زنگه‌زور برای ایران بسیار مهم‌تر از سایر کشورها است، چون ارتباط با ارمنستان، روسیه و در ادامه مسیر به اروپا به

آن وابسته است. چین و هند نیز برای تجارت به زنگه‌زور متکی خواهند بود، زیرا این کریدور میانبر قابل توجهی در مسافت مسیر را ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه کشتی‌های باری بزرگ آسیایی نمی‌توانند در دریای خزر حرکت کنند، معمولاً هفته‌های زیادی را صرف رسیدن به روسیه می‌کنند. مسیر کلیدی و در حال اجرا، پروژه اتصال راه‌آهن قزوین-رشت-آستارا در ایران به جمهوری آذربایجان به‌عنوان بخشی از کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال-جنوب (INSTC) است و از نظر ژئواکونومیکی، برای جمهوری آذربایجان که در نهایت از هند به روسیه وصل می‌شود، ضروری است (تحلیل بازار، ۱۴۰۱/۹/۱۵).

بعد از جنگ قره‌باغ تنش‌های بین ایران و جمهوری آذربایجان افزایش یافته است به‌نوعی که ایران حریم هوایی خود را بر جمهوری آذربایجان بسته و آن‌ها را مجبور می‌کند تا مسیری طولانی‌تر برای دسترسی به نخجوان را طی کنند. در مقابل مقامات جمهوری آذربایجان اعلام کردند که کامیون‌های ایرانی عازم ایروان، پایتخت ارمنستان، علاوه بر پرداخت هزینه ترانزیت ۳۰۰ دلاری، امکان تردد در شب را ندارند و فقط در روز امکان تردد خواهند داشت. همچنین پس از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ کوهستانی، جمهوری آذربایجان بخشی از جاده‌ای که ایران را به ایروان متصل می‌کند در دست گرفت (تحلیل بازار، ۱۴۰۱/۹/۱۵). از همین روی ایران تلاش کرد با حمایت مالی و فنی از ساخت یک جاده ترانزیتی ۴۰۰ کیلومتری که ایران را به ارمنستان وصل می‌کند، سرمایه‌گذاری کند.

بعضی کارشناسان ایجاد کریدور را دارای مزایای مانند: ۱. صلح و امنیت ۲. بهره‌بردن ایران از این خط ترانزیتی می‌دانند. (پاک آیین، آذر ۱۴۰۰) و حتی الهام علی‌اف نیز بارها گفته قصدی برای اقدام علیه ایران ندارد؛ اما ایران برخلاف ادعای علی‌اف به چهار دلیل اصلی نگران توسعه کریدور زنگه‌زور و کاهش اهمیت ژئواکونومیکی است. نخست اینکه تهران اهمیت خود در ارتباط بین خاک جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را واگذار می‌کند. دوم، ایران نقش اتصال‌دهنده خودبین ترکیه و آسیای مرکزی از دست خواهد داد. سوم، ایران نقطه اتصال خود با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU) را از دست خواهد داد. چهارم اینکه پس از جنگ روسیه و اوکراین، با افزایش ارزش راهبردی کریدور میانی، کریدور زنگه‌زور نقش مرکزی ایران را در حمل‌ونقل بین شرق و غرب بیش‌ازپیش کاهش خواهد داد (تحلیل بازار، ۱۴۰۱/۹/۱۵).

در نظری دیگر نیز اقدام ایجاد دالان زنگه‌زور غربی-شرقی به ضرر ایران و باهدف محدودیت برای ایران است؛ چنان‌که موارد زیر نیز بیان می‌کنند: ۱. این اقدام با منافع جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد و همچنین با توجه به حذف جمهوری اسلامی ایران از تمامی

معادلات انرژی و ترانزیت منطقه، می‌بایست جمهوری اسلامی ایران به‌طور رسمی طرح چنین ادعاهایی را محکوم کند؛ ۲. تأکید بر ایجاد «دالان زنگه‌زور» غربی - شرقی با مفاد توافق ۹ نوامبر کاملاً در تضاد است؛ چراکه در این توافقنامه بر رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی اشاره شده است، نه ایجاد یک گذرگاه به بزرگی استان سیونیک ارمنستان (زنگه‌زور)؛ ۳. در طول تاریخ دالان یا گذرگاهی به اسم «دالان زنگه‌زور» غربی - شرقی وجود نداشته و نوعی تحریف تاریخی محسوب می‌شود، البته طرح چنین ادعاهایی بیشتر در واکنش به انتقادات مخالفین در خصوص وضعیت حقوقی قره‌باغ بوده و مصرف داخلی دارد؛ ۴. باتوجه به عضویت ارمنستان در پیمان امنیت جمعی، هرگونه تعرض به خاک این کشور با واکنش سایر اعضای این پیمان، از جمله روسیه مواجه خواهد شد و؛ ۵. طرح هرگونه ادعاهای ارضی جدید، در امتداد منافع رژیم صهیونیستی رژیم صهیونیستی و گسترش نفوذ آن در منطقه است. (حسینی، ۱۴۰۱/۲/۵)

به‌طور کلی ادعای ارضی جمهوری آذربایجان درباره «دالان زنگه‌زور غربی - شرقی» با منافع ایران و مفاد توافق قره‌باغ همخوانی ندارد و می‌تواند به منزله حذف ایران از تمامی معادلات انرژی و ترانزیتی منطقه قفقاز جنوبی باشد. در این میان ارمنستان نیز با ابراز نگرانی از احتمال حذف مرزش با ایران صرفاً بر حق حاکمیت ملی بر اراضی خود و از دست ندادن امکان نظارت بر مسیر ارتباطی جمهوری آذربایجان - نخجوان از طریق خاک خودش تأکید کرده است. هرچند برخی معتقدند که کریدور زنگه‌زور موجب قطع ارتباط زمینی ایران و ارمنستان نخواهد شد. یا دست کم به لحاظ فنی این امکان وجود دارد که این کریدور به گونه‌ای احداث شود که مرز ایران و ارمنستان حذف نشود؛ اما جمهوری آذربایجان و ترکیه به دنبال حق حاکمیت بی‌چون‌وچرا بر این کریدور هستند و حاکمیت و نظارت هیچ کشوری از روسیه گرفته تا ارمنستان، ایران و ... را قبول ندارند؛ لذا اگر این کریدور موهوم با پهنای ۸ کیلومتر و با نظارت ترکیه و جمهوری آذربایجان شکل بگیرد دیگر فرقی نمی‌کند که این کریدور از نقطه صفر مرزی ایران کشیده شود یا ۴۰ کیلومتر بالاتر در خاک ارمنستان. چون هدف مستقیم آن قطع ارتباط ارمنستان و ایران به اروپاست (شعیب بهمن، ۱۴۰۰/۹/۳).

در نهایت سیاست اعلامی ارمنستان نیز بیانگر عدم تمایل این کشور نسبت به از دست دادن نظارت خود بر این منطقه است. اگرچه جمهوری آذربایجان به ارمنستان فشار وارد می‌کند. همچنین روسیه و ایران با توجه به اینکه توسط تحریم‌های غرب به نوعی محاصره شده‌اند جدیداً حتی راهی جدا از راه زمینی ارمنستان در دریای خزر و توسط کشتی‌ها ایجاد کرده‌اند. این کریدور تجاری از دریای «آزوف» واقع میان شبه جزیره کریمه و ساحل جنوب شرق اوکراین

از جمله بندر ماریوپل و دهانه رود «دون» آغاز شده و با عبور از دریای خزر به خلیج فارس و از آنجا پس از پشت سر گذاشتن مسافت چند هزار کیلومتر به اقیانوس هند ختم می‌شود (1/2023/Maria Shagina).

علاقه ترکیه به این محور به حدی است که رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه بیان می‌کند که در واقعیت «کریدور زنگه‌زور مسئله‌ای با ایران است نه ارمنستان». وی هنگام بازگشت از جمهوری آذربایجان در هواپیما به خبرنگاران می‌گوید این موضوع «مرتبط با ایران است. موضع ایران، ما و جمهوری آذربایجان را ناراحت کرده است. ایران باید نگران باشد. ولی امیدواریم در مورد این موضوع نگرش مثبتی داشته باشند تا بتوانیم ترکیه، جمهوری آذربایجان و ایران را پیوند دهیم و حتی ممکن است مسیری را که از پکن تا لندن امتداد دارد، راه اندازی کنیم»؛ اما او در ادامه خواست اصلی ترکیه را این‌گونه بیان می‌کند که «ما بر مسئله کریدور زنگه زور تمرکز کردیم که امتیازات مهمی را در سطح جاده و راه آهن برای ما به ارمنستان خواهد آورد» (اردوغان، ۱۴۰۲/۴/۲۳).

اقدامات ترکیه در ممارست برای ایجاد این تنگه به حدی است که این کشور امیدوار است که با ساخت خط لوله گاز ایغدیر - نخجوان را که یکی از پروژه‌های مشارکتی شرکت گاز ترکیه بوتاس و شرکت نفت و گاز جمهوری آذربایجان سوکار است، تکمیل کند (Haridy, 2022). این امر ممکن است عرضه گاز ایران به نخجوان را متوقف کند و در نتیجه منجر به زیان اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران شود. علاوه بر این، یک کریدور در امتداد مرز ارمنستان و ایران می‌تواند «نقض حاکمیت ارتباطی ایران» باشد، زیرا شهروندان ارمنی و ایرانی باید از یک کریدور تحت کنترل کشورهای ثالث برای عبور از مرز استفاده کنند، در صورتی که در نهایت به فراسرزمینی تبدیل شود (Ananiev, 2021). اظهارات و اقدامات اردوغان درباره مسئله بودن کریدور زنگه زور با ایران در حالی است که مسئولان ارمنستانی بارها مخالفت خود را با آن اعلام و ایجاد این کریدور ادعایی باعث قطع دائم ارتباط مرزهای ایران و ارمنستان می‌شود و به باکو دسترسی بلامانع به جمهوری خودمختار نخجوان را خواهد داد؛ و از طرف دیگر ترکیه را به دو بخش از خاک جمهوری آذربایجان متصل می‌سازد.

موضع جمهوری اسلامی ایران در این موضوع محکم است. رهبر عالی ایران در دیدار با رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد که ایران اجازه نخواهد داد مرز ایران و ارمنستان که سابقه چندین هزارساله دارد مسدود شود (تسنیم، ۲۰۲۲). وزارت امور خارجه نیز بر این سخن رهبری تأکید نمود که موضع ایران همیشه حل مسالمت‌آمیز مسائل منطقه قفقاز جنوبی بوده و جمهوری

اسلامی ایران هیچ‌گونه تغییر در مرزها را تحمل نمی‌کند. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی تلفنی با جیحون بایراماف وزیر خارجه جمهوری آذربایجان در خصوص تحولات اخیر در منطقه قفقاز گفته‌اند: «از شروع دور تازه درگیری‌ها میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان شدیداً نگران هستیم و آماده‌ایم کمک کنیم تا مشکلات به‌صورت مسالمت‌آمیز حل شود». همچنین، «جمهوری اسلامی همواره بر حفظ تمامیت ارضی کشورها تأکید دارد و نظر ما در خصوص ارمنستان و جمهوری آذربایجان همین‌طور است». آقای امیر عبداللهیان می‌گویند که به «جیحون بایراماف صراحتاً گفتم مرز ایران و ارمنستان یک‌راه ارتباطی تاریخی است که باید بدون تغییر باقی بماند» (امیرعبداللهیان، ۱۴۰۱/۶/۲۳). وی همچنین در دیدار و گفتگو با پاشینیان (نخست‌وزیر ارمنستان) در ارمنستان، در مورد امنیت قفقاز جنوبی، بر «تعیین مرز بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و عدم‌مداخله بیگانگان» تأکید داشته‌اند. (امیرعبداللهیان، ۱۴۰۱/۷/۳۰). در بُعد نظامی هم ایران رزمایش‌های را برای مقابله با اقدامات جمهوری آذربایجان و کشورهای هم‌سو با آن انجام داده است که آخرین رزمایش مربوط رزمایش «ایران مقتدر» در تاریخ ۲۵ مهر ۱۴۰۱ بوده است.

در تبیین سیاست‌های جمهوری اسلامی در مورد این موضوع از نظر کمال خرازی مشاور سیاست خارجی رهبری این‌گونه است که جمهوری اسلامی ایران که روزگاری این منطقه جزو خاکش بود با پذیرش شرایط پس از فروپاشی شوروی سابق، همواره همچون پدری خیرخواه نسبت به تحولات این منطقه، به‌خصوص تغییر جغرافیای این منطقه حساس بوده است. به همین جهت، ایران از ابتدا ناحیه قره‌باغ را جزو خاک جمهوری آذربایجان دانسته، بر آزادسازی اراضی اشغالی آن کشور تأکید داشته است، به‌طوری‌که حتی در زمان رئیس‌جمهور سابق جمهوری آذربایجان، مرحوم حیدر علی اف پیشنهاد کمک تسلیحاتی به آن کشور برای آزادسازی اراضی اشغالی داده بود. به همین ترتیب، ایران هرگونه اشغال اراضی ارمنستان توسط جمهوری آذربایجان را نیز بر نمی‌تابد و بر حفظ مرزهای کنونی بین کشورهای منطقه تأکید دارد.

خرازی در مورد سرنوشت دالان زنگه‌زور نیز بیان می‌کند: باکو، کریدور زنگه‌زور را به‌نحوی که در حاکمیت جمهوری آذربایجان باشد و اتصال نخجوان را به خاک اصلی آن تأمین کند، در قبال کریدور لاچین مطرح می‌کرد که در اختیار ارمنستان بود و قره‌باغ را به خاک ارمنستان متصل می‌ساخت. اکنون که مسئله قره‌باغ حل و طبعاً کریدور لاچین بلااثر شده است، دیگر توجیهی برای درخواست چنین کریدور متقابلی وجود ندارد. البته، کشورها می‌توانند در قالب همکاری ترانزیتی راه‌های ارتباطی خود را در اختیار همسایگان خود قرار دهند و چنین همکاری بین

جمهوری آذربایجان و ارمنستان هم قابل دفاع است، ولی لازمه برقراری چنین ارتباطی تهدید و اشغال نیست. جمهوری اسلامی ایران از آنجاکه بر اهمیت اتصال نخجوان به خاک جمهوری آذربایجان واقف است، حتی درصدد است چنین اتصالی را از خاک ایران برای جمهوری آذربایجان فراهم سازد و لذا با باکو برای ساخت جاده و راه‌آهنی به طول ۵۵ کیلومتر از روستای آق بند در منطقه زنگیلان در جنوب کشور جمهوری آذربایجان و در مجاورت مرز ایران و ارمنستان تا شهر اردوباد در نخجوان، به توافق رسیده است که در دست پیگیری است.

بر همین اساس، از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران خواستار برقراری صلح و آرامش در منطقه قفقاز است از سال‌ها قبل خواستار تشکیل نشست کشورهای این منطقه، در قالب ۳+۳، یعنی سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و سه کشور همسایه قفقاز یعنی ایران، روسیه و ترکیه، برای بررسی راه‌های حل اختلافات و ایجاد آرامش در قفقاز بوده است. (خرازی، ۱۴۰۲/۷). اخیراً نیز ایران در راستای ایفای نقش خیرخواهانه خود در تلاش است چنین نشستی را توسط وزارت امور خارجه در تهران برگزار کند.

در ۶ اکتبر ۲۰۲۳، جمهوری آذربایجان و ایران پروتکل‌هایی را برای ساخت یک خط راه‌آهن جدید که برای اتصال منطقه اقتصادی زنگه‌زور شرقی به جمهوری خودمختار نخجوان از طریق خاک ایران طراحی شده بود، امضا کردند (News.Am, 2023). حکمت حاجی‌اف، مشاور ارشد الهام علی‌اف، مشاور ارشد سیاست خارجی الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در واکنش به این خبر گفته است که پروژه کریدور زنگه‌زور جذابیت خود را برای این کشور از دست داده است. به نظر می‌رسد اظهارات مشاور رئیس‌جمهور آذربایجان در مورد کاهش علاقه کشورش به پروژه کریدور زنگه‌زور احتمالاً تلاشی برای تأثیرگذاری بر ارمنستان است که حداقل تا حدی علاقه‌مند به باز کردن قفل ارتباطات حمل‌ونقل در منطقه پس از حوادث سپتامبر ۲۰۲۳ است. در حالی که مسیرهای حمل‌ونقل جایگزین بین آذربایجان و منطقه نخجوان آن (به‌ویژه از طریق خاک ایران) را مستثنی نمی‌کنیم، اما جمهوری آذربایجان و ترکیه قبلاً سرمایه‌گذاری زیادی در پروژه کریدور زنگه‌زور انجام داده‌اند. در صورت موفقیت این پروژه، آنکارا به کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل – با دور زدن ایران و روسیه – به کشورهای ترک‌زبان در آسیای مرکزی می‌رسد و در نتیجه نفوذ خود را در منطقه تقویت می‌کند. (Chedia, 2024: 212). در نهایت علی‌رغم اینکه اقدامات ایران و اظهارات مشاور ارشد الهام علی‌اف در مورد تنش‌زدایی در این منطقه، ترکیه و جمهوری آذربایجان و محور پشتیبانی آنان هنوز به طور کامل از ایجاد این دالان منصرف نشده‌اند و خواست آن‌ها همچنان پابرجاست.

هیچ‌یک از کشورهای درگیر به موضوع دالان زنگه‌زور به‌صورت مستقیم هدف خود را محاصره ایران اعلام نمی‌کند؛ ولی شواهد و مدارک نشان می‌دهد که ایجاد دالان جعلی زنگه‌زور غربی - شرقی نتیجه‌ای جز محاصره و محدودسازی ایران در شمال غربی ندارد. این اقدام اخیر هم درست است که ایران و روسیه درصدد راه‌های جایگزینی برای حتی راه زمینی هستند؛ ولی باید نهایت سعی و کوشش را برای ممانعت از تغیر ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی داشته باشند. درنهایت بازگشایی این مسیر کلاً به ضرر ایران هست و اتصال باکو به نخجوان بهتر است از خاک ایران باشد و پای کشورهای ترکیه، رژیم صهیونیستی و آمریکا باید از این منطقه قطع شود. این هم به ضرر ایران وهم به ضرر روسیه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در گذشته راه‌های بین‌المللی از اهمیت زیاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... برخوردار بوده‌اند و ایران نیز به‌خاطر خاصیت چهارراهی بودن در جهان می‌توانسته از مزایای آن بهره‌مند شود. چنانکه راه ابریشم در ایام قدیم از جمله این راه‌ها بوده که از ایران عبور می‌کرده و از یک سو ابزار درآمدی برای حکومت ایران بوده و از دیگر سو امکان تأثیرگذاری بر سایر مردم در جای‌جای جهان را داشته؛ چراکه ملزم به عبور از این کشور بوده‌اند. امروزه راه‌ها و کریدورهای بین‌المللی مزیت‌های قبلی خود را حفظ کرده و از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بالایی برخوردارند. طبق همین موضوع چین در دوره جدید در صدد احیای جاده ابریشم برآمده است و طبق این نقشه از جنوب ایران به شمال و منطقه قفقاز و از آنجا به رویه و دریایی سیاه و اروپا راه پیدا می‌کند. ایران برای استفاده از این مزیت به علت رابطه خوب با ارمنستان از خاک این کشور استفاده می‌کند؛ اما با جنگ قره‌باغ دوم و اختلافاتی که برای تفسیر بند ۹ از توافق‌نامه به وجود آمده، جمهوری آذربایجان خواهان احداث کریدور زنگه‌زور است که در پی آن مرز ایران با ارمنستان از بین رفته و ایران از جانب قفقاز با یک بن‌بست مواجه می‌شود؛ اما این دالان خواست جمهوری آذربایجان به‌تنهایی نیست؛ بلکه لایه‌های مختلف پنهانی نیز دارد.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه این حزب در پی احیای یک عظمت نوع‌ثانی برای خود است و می‌خواهد کشورهای ترک را در زیر سیطره خود داشته باشد؛ اما جدایی نخجوان از جمهوری آذربایجان مانع جدی این خواسته بوده است. در این حین کشورهای غربی به دنبال یک دالان تورانی برای ناتو هستند که تا مرزهای چین ادامه داشته باشد و روسیه و ایران را نیز تحت کنترل داشته باشند. از طرفی رژیم صهیونیستی برای محدودسازی ایران در

مرزهای خود، فرصت را غنیمت شمرده و از نزاع‌های این منطقه به نفع خود استفاده کرده است و در جمهوری آذربایجان از نفوذی بالا برخوردار شده است.

در حوزه انرژی باتوجه‌به مشکلاتی در حوزه انرژی در اروپا در اثر جنگ اوکراین به وجود آمده به یک ناتو انرژی نیاز است و باتوجه‌به منابع انرژی که در دریای خزر وجود دارد ایجاد این دالان می‌تواند از مشکلات کمبود انرژی در اروپا بکاهد؛ بنابراین ایجاد این دالان به ضرر منافع ملی ایران در بلندمدت بوده و راهی برای به بن‌بست کشاندن و استفاده از کریدور شمال جنوب به‌وسیله سایر رقبا است. حتی در همین رابطه مقامات ترکیه و جمهوری آذربایجان از طرحشان برای ایجاد کریدور بزرگ‌تر تورانی و پان‌ترکیستی و در نهایت ایجاد ترکستان بزرگ صحبت می‌کنند که کل خاک جمهوری ارمنستان و مناطق ترک‌نشین شمال و شمال غربی ایران را هم در خود می‌بلعد؛ لذا افزون بر تبعات مخرب یادشده باید آثار منفی امنیتی ناشی از تضاد قومیتی و اجتماعی را هم برای ایران در نظر گرفت که به شکل بسیار پررنگی دامن کشور را می‌گیرد.

به عقیده بسیاری از کارشناسان، ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز امکان پیروزی در این پرونده را دارند، چراکه، از یک طرف باکو و آنکارا می‌توانند به مفاد توافقنامه ۹ بندی روسیه در سازمان ملل و شورای امنیت استناد کنند و هم چون در پشت پرده این طرح رژیم صهیونیستی و ناتو قرار دارند احتمالاً می‌توان شاهد سکوت و انفعال سازمان ملل بود، خصوصاً آنکه این طرح اساساً یک طرحی است که از سی سال پیش توسط خود آمریکایی‌ها در خلال جنگ اول قره‌باغ مطرح شد؛ یعنی طرح ایجاد این کریدور توسط یک مأمور پیشین C.I.A و بعدها عضو ارشد بنیاد کارنگی مطرح شد.

جمهوری اسلامی ایران به‌روشنی از عواقب ایجاد این دالان باخبر است و به انواع مختلفی مخالفت خود را با ایجاد دالان زنگه‌زور و تغییر ژئوپلیتیک منطقه اعلام نموده است؛ اما آنچه تاکنون در منطقه قفقاز جنوبی روی داده است بدین گونه بوده است که دولت ارمنستان در برابر بازگشایی دالان جعلی زنگه‌زور مقاومت کرده؛ اما با حمایت قدرت‌های بزرگ بین‌المللی از گشایش این دالان، فرصت بسیار مناسبی برای جمهوری آذربایجان، ترکیه، رژیم صهیونیستی و در اصل ماجرا ناتو محسوب می‌شود. ایران باید در برابر این اقدامات هشیار بوده و با ائتلافی که شامل روسیه و ارمنستان می‌شود ضمن حفظ صلح و ثبات در منطقه قفقاز جنوبی مانع ایجاد دالان جعلی شود. درواقع ایران با ممانعت از ایجاد این دالان مانع حصر ایران در منطقه قفقاز شده و راه ارتباطی و راهبردی خود را حفظ می‌کند.

منابع و مآخذ

فارسی

ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۶). *سفرنامه (ایران در صور الارض)*. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات امیرکبیر.

احمدی، حمید. (۱۳۹۹/۱۱)، "بحران در قفقاز و امنیت ملی ایران پرونده‌ای در باب مسئله قره‌باغ"، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترسی در: <https://www.cmess.ir>.

اردوغان رجب طیب، (۱۴۰۲/۴/۲۳)، "اردوغان: گشایش «کریدور زنگزور» مسئله‌ای با ایران است نه ارمنستان"، *فارس نیوز*، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.ir/news/14020324000603>

امیرعبداللهیان، حسین، (۱۴۰۱/۶/۲۳)، "پست اینستاگرام دکتر امیر عبداللهیان در خصوص گفتگوی تلفنی با وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان". *منتشر شده در بخش اخبار وزارت امور خارجه*، قابل دسترسی در: <https://mfa.gov.ir>

امیرعبداللهیان، حسین، (۱۴۰۱/۷/۳۰)، "گزارش توییتی دکتر امیر عبداللهیان از دیدار و گفتگو با نخست‌وزیر ارمنستان"، *منتشر شده در بخش اخبار وزارت امور خارجه*، قابل دسترسی در: <https://mfa.gov.ir>

ایسنا. (۱۴۰۱/۹/۷)، "سازهای ادعای علی‌اف توسط ترکیه و رژیم صهیونیستی کوک می‌شود"، *ایسنا*، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news>

برکشلی، فریدون. (۱۴۰۱/۷/۹)، "کابوس دالان گازی زنگه‌زور"، *فردای اقتصاد*، قابل دسترسی در: <https://www.fardayeeghtesad.com/news>

بهشتی‌پور، حسن. (۱۴۰۱/۹/۲۸)، "بستن لاجین به انزوای بیشتر باکو می‌انجامد: این اقدام ناقض توافقات قبلی است"، *خبر آنلاین*، قابل دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news>

بهمنی قاجار، محمدعلی. (۱۳۹۰)، *تمامیت ارضی ایران در دوره پهلوی (سیری در تاریخ مرزهای ایران)*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

پاک آیین. (۱۴۰۰)، "کریدور زنگه‌زور در چه صورتی منافع ایران را تهدید می‌کند؟"، قابل دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news>

پایگاه خبری قفقاز. (۱۴۰۱/۶/۱۹)، "دلایل اهمیت کریدور لاجین"، قابل دسترسی در: <https://qafqaz.ir>

"تأثیرات کریدور زنگه‌زور بر اهمیت ژئواکونومیکی تهران؛ چرا تهران نگران است". (۱۴۰۱/۹/۱۵)، *خبرگزاری*

تحلیل بازار، قابل دسترسی در: <https://www.tahlilbazaar.com/news>

حسینی، سید حامد. (۱۴۰۱/۲/۵)، "تحلیلی بر طرح ادعای ارضی جدید درباره دالان زنگه‌زور"، *خبرگزاری مهر*، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news>

حیدری، جواد. (۱۳۸۳)، "دیدگاه امنیتی ارمنستان در قفقاز جنوبی"، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال سیزدهم، دوره ۴، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۸۳.

خبرگزاری رویداد ۲۴، (۱۴۰۱/۶/۹)، "ادامه بحران بر سر گذرگاه لاجین / چرا درگیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای ایران مهم است؟"، **خبرگزاری رویداد ۲۴**، قابل دسترسی: <https://www.rouydad24.ir>.

خبرگزاری قطره، (۱۴۰۱/۹/۱۵)، "گرگ‌های پیر آمریکا نزدیک مرزهای ایران می‌شوند"، قابل دسترسی در: <https://www.oniban.news/>.

خرازی، کمال. (۱۴۰۲/۷/۱۴)، "موضع جمهوری اسلامی درباره‌ی بحران قفقاز و کریدور زنگزور چیست؟"، **خبر آنلاین**، قابل دسترسی در: <https://www.khabaronline.ir/news/1796082/>.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۹)، "سیاست امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه قفقاز جنوبی"، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۳۳-۲۰۹.

دورانت، ویل و اریل. (۱۳۶۶). **تاریخ تمدن**، عصر ایمان. ج ۴. بخش اول. ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

روزنامه آرمان. (۱۴۰۱/۶/۳۰)، "باخت ایران در دالان زنگه‌زور"، **خبر پیشخوان**، قابل دسترسی در: <https://www.pishkhan.com/news>

رئییسی نژاد، آرش. (۱۳۹۹). "از راه شاهی ایران تا راه ابریشم چین"، ۲۱ مرداد. **منتشر شده در دیپلماسی ایرانی**، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1993911/>.

شعیب بهمن، (۱۴۰۰/۹/۳)، "ایران بزرگ‌ترین بازنده قفقاز جنوبی"، **فراز دیلی**، قابل دسترسی در: <https://www.farazdaily.com>.

شورای راهبردی روابط خارجی، (۱۴۰۱/۶/۱۵)، "توطئه ایجاد «دالان تورانی ناتو» با پیامدهای ژئوپلیتیکی علیه ایران، روسیه و چین"، قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/>.

عطایی، فرهاد. (۱۳۹۱)، "ایران و کشورهای قفقاز جنوبی"، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال پنجم شماره ۱۰، بهار و تابستان.

عطایی، فرهاد؛ شکاری، حسین و حمیدرضا عزیززی. (۱۳۹۱)، "سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی"، **فصلنامه راهبرد**، شماره شست و سه، سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۶۶-۳۹.

فلاح پیشه، حشمت‌الله و دیگران، "سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه"، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال سوم شماره ۱۲، بهار ۹۴، صص ۶۰-۳۷.

فلاحتی، احسان و نودر شفیعی. (۱۳۹۹)، "راهبرد چین در قفقاز جنوبی"، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹. صص ۵۱۵-۵۴۲.

کاظمی، احمد. (۱۴۰۱/۶/۱۵)، "توطئه ایجاد «دالان تورانی ناتو» با پیامدهای ژئوپلیتیکی علیه ایران، روسیه و چین"، **شورای راهبردی روابط خارجی**، قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/fa>.

کستلر، آرتور. (۱۳۶۱)، **خرزان**، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.

کستلر، آرتور. (۱۳۶۱)، **قبله سیزدهم (امپراتوری خزران و میراث آن)**، ترجمه جمشید ستاری، تهران: انتشارات آلفا.

کیایی ابراهیمی، هادی و کمال زارعی. (۱۳۹۹)، "تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۵۴-۱۲۵.

لاورینا، اناستازیا. (۱۴۰۱)، "دالان زنگه‌زور: مسیر تازه حمل‌ونقل زمینی بین اروپا و آسیا"، منتشرشده در ۲۳ مرداد، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2013865>.

مظاهری، علی. (۱۳۷۳). *جاده ابریشم*. ج ۱. ترجمه ملک ناصر نوبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. مکی، حسین. (۱۳۶۲). *تاریخ بیست‌ساله (استمرار دیکتاتوری رضاشاه)*. (جلد ششم)، تهران: نشر ناشر.

"نقشه دالان زنگه‌زور"، *خبرگزاری مهر*، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com>. واعظی، محمود. (۱۳۸۴)، "جامعه‌شناسی تغییر در جمهوری‌های شوروی سابق: تقابل تقاضاهای متعارض"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۱، پاییز، صص ۵۶-۴۱. یزدانی، عنایت‌الله و مصطفی خیری. (۱۳۹۶)، "رویکرد سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸ تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۵۲-۱۲۸.

لاتین

Aliyev claims, (3/1/2023). "**Zangezur corridor will definitely be open**". Available at: <https://mediamax.am/en/news>.

"**Karabakh Armenians Brace for Third Week of Azerbaijani Blockade**". (۱۲/۲۰۲۲). Available at: <https://fox56news-com>.

Ananiev, A. (2021). "**Tupik v nachale Zangezurskogo koridora**" [A Dead End at the Beginning of the "**Zangezur corridor**"]. *Mezhdunarodnaya zhizn'*, 29 September. Available at: <https://interaffairs.ru/news>.

Aydin, M. (2002). "Kafkasya ve Orta Asya'yla Iliskiler". *Turk Dis Politikasi. Kurtulus Savasindan Bugune*, 2, 366-439.

Blank, S. (2022). "**Armenia must build the Zangezur corridor**". Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz>.

Chedia, A. R. (2024). "**Zangezur Corridor: Economic Potential and Political Constraints**".

CIVILNET, (18/01/2024). "**New Committee for Artsakh People's Rights Inaugurated, Oskanian to Lead**". Available at: <https://www.civilnet.am/en/news/762362/>.

Cohen, (13/11/2023). "**Energy Deal Strengthens Strategic Partnership**". Available at: <https://www.forbes.com/sites/arielcohen/2023/11/13/israel-azerbaijan-energy-deal-strengthens-strategic-partnership>.

Dunja Mijatović, (12/1/2024). "**Armenia and Azerbaijan: effective human rights protection of all persons affected by the conflict over the Karabakh region is key to the success of the peace process**". Available at: <https://www.coe.int/et/web/commissioner/>.

Encyclopaedia Britannica. (1994). "**Nagorno-Karabakh region, Azerbaijan**". Available at: <https://www.britannica.com/>.

euronews, (2023/09/30). "**Almost all Nagorno-Karabakh's ethnic Armenians have fled**". Available at: <https://www-euronews-com>.

- European Commission, (5/10/2023). “**Joint Statement by European Commission President Ursula von der Leyen and Armenian Prime Minister Nikol Pashinyan**”. 5 October 2023, Available at: <https://neighbourhood-enlargement.ec.europa.eu/news/>.
- Fuller, G. (1997). “Geopolitical Dynamics of the Caspian Region”. *Caspian Crossroads Magazine*, 3(2).
- Ganjaliyev, Tural. (30/4/2021). “**Nagorno-Karabakh" separate administrative-territorial unit no longer exists - Azerbaijani MP**”. Available at: <https://www.azernews.az/karabakh/178534.htm>.
- Gawliczek, P. & Iskandarov, K. (2023). “The Zangezur corridor as part of the global transport route (against the backdrop of power games in the South Caucasus region)”. *Security and Defence Quarterly*, 41.
- Haridy, S. 2022. “Vicious Cycle. Examining the Iranian-Azeri Tensions over Zangezur Corridor”. *Future Center*, 29 November. Available at: <https://futureuae.com/en-US>. https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/statement_23_4789.
- Iskandarov, K. & Gawliczek, P. (2020). “The “new great game in the south caucasus: competition for power and influence”. *Journal of Scientific Papers 'Social Development and Security'*, 10(1), 25-33.
- KEREM TUNCEL, TURGUT. (10/2022), “**GÜNEY KAFKASYA'DA YENİ BİR DİNAMİK: AVRUPA BİRLİĞİ'NİN AZERBAYCAN VE ERMENİSTAN ARASINDA ARABULUCULUK GİRİŞİMİ**”, Available at: <https://avim.org.tr/>.
- Kucera, Joshua, (6/8/2019). “**Pashinyan calls for unification between Armenia and Karabakh**”, Eurasianet, Available at: <https://eurasianet.org/pashinyan-calls-for-unification-between-armenia-and-karabakh>.
- Maria Shagina. (1/2023). “**Russian Experts Skeptical of Early Launch of Iran Transport Corridor**”. Available at: <https://financialtribune.com/>.
- minsk-group,(16/1/2019). “**Press Statement by the Co-Chairs of the OSCE Minsk Group**”. Available at: <https://www.osce.org/minsk-group/409220>.
- Murad Muradov and Ilkin Qoli F, (26/5/2022). “**Azerbaijan-Israel Relations Shifting the Geopolitics of the Middle East**”. Available at: <https://www.geopoliticalmonitor.com/azerbaijan-israel-relations-reach-a-new-level/>.
- Nasirov, E. Iskandarov, K. & Sadiyev, S. (2017). “The South Caucasus.” *Connections*, 16(3), 47-56.
- News.Am, (2023). “**Iran and Azerbaijan Agree to Improve Entry and Exit Opportunities to Nakhichevan. News**”. Am, 6 October. Available at: <https://news.am/eng/news>.
- Reliefweb, (21/7/2023). “**Shelves ‘totally empty’ in Nagorno Karabakh as humanitarian crisis worsens**”. Available at: <https://reliefweb.int/report/armenia/>.
- Seputyte, Milda and Ott Ummelas (6/4/2016). “**Oil Riches Help Azerbaijan Outgun Armenia in Military Spending**”. Bloomberg, Available at: www.bloomberg.com/news/articles/2016-04-06/oil-riches-help-azerbaijan-outgun-armeniain-military-spending.
- Shariatinia, M. & Azizi, H. (2019). “Iran and the Belt and Road Initiative: Amid hope and fear”. *Journal of Contemporary China*, 28(120), 984-994.
- TASS, (5/10/2023). “**European Parliament adopts resolution calling for sanctions on Azerbaijan**”. Available at: <https://tass.com/world/1685241>.